



سازمان حسابرسی

**استاندارد حسابداری ۴۳
درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان**

فهرست مندرجات

از بند	
۱	هدف
۲	دستیابی به هدف
۵	دامنه کاربرد
۹	شناخت
۱۰	تشخیص قراردادها
۱۸	ترکیب قراردادها
۱۹	تعدیل قرارداد
۲۳	تشخیص تعهدات عملکردی
۲۵	تعهدات موجود در قرارداد با مشتریان
۲۷	کالاها یا خدمات متمایز
۳۲	ایفای تعهدات عملکردی
۳۶	تعهدات عملکردی ایفاشده در طول زمان
۳۹	تعهدات عملکردی ایفاشده در نقطه‌ای از زمان
۴۰	اندازه‌گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی
۴۷	اندازه‌گیری
۴۸	تعیین قیمت معامله
۵۱	مابه‌ازای متغیر
۶۱	وجود جزء تأمین مالی بااهمیت در قرارداد
۶۷	مابه‌ازای غیرنقدی
۷۱	مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری
۷۴	تخصیص قیمت معامله به تعهدات عملکردی
۷۷	تخصیص بر مبنای قیمت‌های فروش مستقل
۸۲	تخصیص تخفیف
۸۵	تخصیص مابه‌ازای متغیر
۸۸	تغییر در قیمت معامله
۹۲	مخارج قرارداد
۹۲	مخارج مختص دستیابی به قرارداد
۹۶	مخارج ایفای قرارداد
۱۰۰	استهلاک و کاهش ارزش
۱۰۶	نحوه ارائه
۱۱۱	افشا
۱۱۴	قرارداد با مشتریان
۱۱۵	تفکیک درآمد عملیاتی
۱۱۷	مانده حسابهای قرارداد
۱۲۰	تعهدات عملکردی
۱۲۱	قیمت معامله تخصیص‌یافته به تعهدات عملکردی باقیمانده
۱۲۴	قضاوت‌های عمده صورت‌گرفته در بکارگیری این استاندارد
۱۲۵	تعیین زمانبندی ایفای تعهدات عملکردی

استاندارد حسابداری ۴۳ درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

فهرست مندرجات

از بند	
۱۲۷	تعیین قیمت معامله و مبالغ تخصیص یافته به تعهدات عملکردی
۱۲۸	داراییهای شناسایی شده حاصل از مخارج دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج ایفای قرارداد با مشتری
۱۳۰	اقتضاهای عملی
۱۳۱	کنارگذاری سایر استانداردها
۱۳۲	تاریخ اجرا
۱۳۳	مطابقت با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی
	پیوستها
	پیوست الف
	پیوست ب
	پیوست پ

هدف

۱. هدف این استاندارد تعیین اصولی است که واحد تجاری برای گزارش اطلاعات مفید به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی درباره ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان درآمد عملیاتی و جریانهای نقدی حاصل از قرارداد با یک مشتری، باید بکار گیرد.

دستیابی به هدف

۲. برای دستیابی به هدف بند ۱، اصل محوری این استاندارد آن است که واحد تجاری باید درآمد عملیاتی را به گونه‌ای شناسایی کند که بیانگر انتقال کالاها یا خدمات تعهدشده به مشتریان به مبلغ مابه‌ازایی باشد که واحد تجاری انتظار دارد در قبال آن کالاها یا خدمات، نسبت به آن محقق باشد.
۳. واحد تجاری هنگام بکارگیری این استاندارد، باید مفاد قرارداد و تمام واقعیتهای و شرایط مربوط را مد نظر قرار دهد. واحد تجاری باید این استاندارد، شامل استفاده از هر گونه اقتضای عملی، را بطور یکپارچه برای قراردادهای دارای ویژگیهای مشابه و در شرایط مشابه بکار گیرد.
۴. این استاندارد، نحوه حسابداری یک قرارداد منفرد با مشتری را تعیین می‌کند. با وجود این، به عنوان یک اقتضای عملی، واحد تجاری در صورتی که بطور معقول انتظار داشته باشد آثار ناشی از بکارگیری این استاندارد برای مجموعه‌ای از قراردادهای (یا تعهدات عملکردی) دارای ویژگیهای مشابه بر صورتهای مالی، با آثار ناشی از بکارگیری این استاندارد برای هر یک از قراردادهای (یا تعهدات عملکردی) موجود در مجموعه مذکور تفاوت بااهمیتی نداشته باشد، می‌تواند این استاندارد را برای آن مجموعه بکار گیرد. واحد تجاری هنگام انجام حسابداری یک مجموعه قرارداد، باید از برآوردها و مفروضاتی استفاده کند که نشان‌دهنده اندازه و ترکیب آن مجموعه باشد.

دامنه کاربرد

۵. واحد تجاری باید این استاندارد را برای تمام قراردادهای با مشتریان، به استثنای موارد زیر، بکار گیرد:
الف. قراردادهای اجاره مشمول دامنه کاربرد استاندارد حسابداری ۲۱ حسابداری اجاره‌ها؛
ب. قراردادهای بیمه مشمول دامنه کاربرد استاندارد حسابداری ۲۸ فعالیتهای بیمه عمومی؛
پ. ابزارهای مالی مشمول دامنه کاربرد استاندارد حسابداری ۱۵ حسابداری سرمایه‌گذاریها، استاندارد حسابداری ۳۹ صورتهای مالی تلفیقی، استاندارد حسابداری ۴۰ مشارکتها، استاندارد حسابداری ۱۸ صورتهای مالی جداگانه و استاندارد حسابداری ۲۰ سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری وابسته و مشارکتهای خاص؛ و
ت. مبادله‌های غیرپولی بین واحدهای تجاری دارای فعالیتهای تجاری همانند، برای تسهیل فروش به مشتریان یا مشتریان بالقوه. برای مثال، این استاندارد در خصوص قرارداد بین دو شرکت نفتی که توافق می‌کنند برای پاسخگویی به موقع به تقاضای مشتریان خود در مکانهای تعیین شده نفت را با یکدیگر مبادله کنند کاربرد ندارد.
۶. الزامات شناخت و اندازه‌گیری این استاندارد، در مورد سایر درآمدهای کسب‌شده در روال فعالیتهای عادی واحد تجاری، از جمله سایر درآمدهای غیرعملیاتی نظیر سود حاصل از واگذاری داراییهای ثابت مشهود کاربرد دارد.
۷. واحد تجاری این استاندارد را باید در مورد قراردادی (به استثنای قراردادهای اشاره‌شده در بند ۵) بکار گیرد که طرف قرارداد مشتری است. مشتری شخصی است که در قبال پرداخت مابه‌ازا برای دستیابی به کالاها یا خدماتی که خروجی فعالیتهای عادی واحد تجاری است، قرارداد با واحد تجاری منعقد کرده است. برای مثال، در صورتی که طرف قرارداد، به جای انعقاد قرارداد برای دستیابی به خروجی فعالیتهای عادی واحد تجاری، قراردادی را به منظور مشارکت در یک فعالیت یا فرایند منعقد کرده باشد که طرفین آن قرارداد در ریسکها و مزایای حاصل از آن فعالیت یا فرایند (نظیر ایجاد یک دارایی از طریق توافق همکاری) سهیم باشند، طرف قرارداد مشتری محسوب نمی‌شود.
۸. بخشی از قرارداد با مشتری ممکن است در دامنه کاربرد این استاندارد و بخش دیگر آن، در دامنه کاربرد سایر استانداردهای اشاره‌شده در بند ۵ قرار گیرد.
الف. اگر در سایر استانداردها چگونگی تفکیک و / یا اندازه‌گیری اولیه یک یا چند بخش از قرارداد مشخص شده باشد، آنگاه واحد تجاری باید ابتدا الزامات تفکیک و / یا اندازه‌گیری مندرج در آن استانداردها را بکار گیرد. واحد تجاری باید مبلغ بخشی (یا بخشهایی) از قرارداد را که در ابتدا طبق سایر استانداردها اندازه‌گیری شده است، از قیمت معامله جدا کند و برای تخصیص

مبلغ باقیمانده قیمت معامله (در صورت وجود) به هر تعهد عملکردی مشمول دامنه کاربرد این استاندارد و به سایر بخشهای قرارداد طبق بند ۸ (ب)، بندهای ۷۴ تا ۸۷ را بکار گیرد.

ب. اگر در سایر استانداردها چگونگی تفکیک و/یا اندازه گیری اولیه یک یا چند بخش از قرارداد مشخص نشده باشد، آنگاه واحد تجاری باید این استاندارد را برای تفکیک و/یا اندازه گیری اولیه آن بخش (یا بخشهای) قرارداد با مشتری بکار گیرد.

۹. چنانچه مخارج مختص دستیابی به قرارداد با مشتری و مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری در دامنه کاربرد استاندارد دیگری قرار نگیرد، این استاندارد نحوه حسابداری مخارج مذکور را تعیین می کند (به بندهای ۹۲ تا ۱۰۵ مراجعه شود). واحد تجاری باید بندهای مذکور را تنها برای مخارج تحمل شده مرتبط با قرارداد با مشتری (یا بخشی از آن قرارداد) که در دامنه کاربرد این استاندارد است، بکار گیرد.

شناخت

تشخیص قرارداد

۱۰. واحد تجاری باید قرارداد با یک مشتری، که در دامنه کاربرد این استاندارد است، را تنها هنگامی به حساب منظور کند که تمام معیارهای زیر احراز شود:

الف. طرفین، قرارداد را (به صورت کتبی، شفاهی یا طبق سایر رویه های مرسوم تجاری) تأیید کرده باشند و نسبت به انجام تعهدات خود، متعهد باشند؛

ب. واحد تجاری بتواند حقوق هر یک از طرفین را در ارتباط با کالاها یا خدماتی که باید انتقال یابد، تشخیص دهد؛

پ. واحد تجاری بتواند شرایط پرداخت برای کالاها یا خدماتی که باید انتقال یابد را تشخیص دهد؛

ت. قرارداد محتوای تجاری داشته باشد (یعنی انتظار رود ریسک، زمانبندی یا مبلغ جریانهای نقدی آتی واحد تجاری، در نتیجه قرارداد تغییر کند)؛ و

ث. وصول مابه‌ازایی که واحد تجاری در قبال انتقال کالاها یا خدمات به مشتری نسبت به آن محق است، محتمل باشد. واحد تجاری در ارزیابی اینکه وصول مبلغ مابه‌ازا محتمل است یا خیر، تنها باید توانایی و قصد مشتری برای پرداخت مبلغ مابه‌ازای مذکور در سررسید را مورد توجه قرار دهد. اگر مبلغ مابه‌ازا به دلیل پیشنهاد مشوق قیمت به مشتری متغیر باشد، مبلغ مابه‌ازایی که واحد تجاری نسبت به آن محق است، ممکن است از قیمت ذکر شده در قرارداد کمتر باشد (به بند ۵۳ مراجعه شود).

۱۱. قرارداد، توافقی بین دو یا چند شخص است که حقوق و تعهدات الزام‌آور ایجاد می کند. الزام‌آور بودن حقوق و تعهدات در یک قرارداد، یک موضوع حقوقی است. قراردادها می توانند کتبی، شفاهی یا مبتنی بر رویه های مرسوم تجاری باشند. رویه ها و فرایندهای انعقاد قراردادها با مشتریان، بین حوزه های مقرراتی، صنایع و واحدهای تجاری متفاوت است. افزون بر این، رویه ها و فرایندهای مزبور ممکن است در داخل یک واحد تجاری نیز متفاوت باشد (برای مثال، ممکن است به طبقه مشتری یا ماهیت کالاها یا خدمات تعهد شده بستگی داشته باشد). واحد تجاری برای تعیین اینکه توافق با مشتری، حقوق و تعهدات الزام‌آور ایجاد می کند یا خیر، و چه زمانی حقوق و تعهدات الزام‌آور ایجاد می کند، باید این رویه ها و فرایندها را مدنظر قرار دهد.

۱۲. برخی قراردادها با مشتریان ممکن است مدت زمان معینی نداشته باشند و بتوان آنها را توسط هر یک از طرفهای قرارداد، در هر زمانی خاتمه داد یا تعدیل کرد. سایر قراردادها ممکن است بر مبنای دوره ای که در قرارداد مشخص شده است، بطور خودکار تمدید شوند. واحد تجاری باید این استاندارد را برای مدت قرارداد (یعنی دوره قراردادی) که در آن مدت، طرفین قرارداد حقوق و تعهدات الزام‌آور فعلی دارند، بکار گیرد.

۱۳. برای مقاصد بکارگیری این استاندارد، اگر هر یک از طرفین قرارداد، بدون جبران خسارت طرف (یا طرفهای) دیگر، از حق الزام‌آور یک‌جانبه برای خاتمه دادن به قراردادی که اجرا نشده است برخوردار باشد، قراردادی وجود ندارد. قرارداد در صورتی اجرانشده محسوب می شود که هر دو معیار زیر احراز شده باشد:

الف. واحد تجاری هنوز کالاها یا خدمات تعهد شده را به مشتری انتقال نداده نباشد؛ و

ب. واحد تجاری هنوز مابه‌ازایی در قبال کالاها یا خدمات تعهد شده دریافت نکرده باشد و هنوز نسبت به دریافت آن محق نباشد.

۱۴. اگر قرارداد با مشتری معیارهای مندرج در بند ۱۰ را در آغاز قرارداد احراز کند، واحد تجاری نباید این معیارها را مجدداً ارزیابی کند، مگر اینکه نشانه‌ای از تغییری عمده در واقعیتها و شرایط وجود داشته باشد. برای مثال، اگر توانایی مشتری برای پرداخت مابه‌ازا به میزان

استاندارد حسابداری ۴۳ درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان

قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته باشد، واحد تجاری احتمال وصول مابه‌ازایی که در قبال انتقال مابقی کالاها یا خدمات به مشتری، نسبت به آن محق می‌شود را مجدداً ارزیابی می‌کند.

۱۵. اگر قرارداد با مشتری معیارهای مندرج در بند ۱۰ را احراز نکند، واحد تجاری باید به ارزیابی قرارداد ادامه دهد تا تعیین نماید که آیا معیارهای مندرج در بند ۱۰ متعاقباً احراز شده است یا خیر.

۱۶. هنگامی که قرارداد با مشتری معیارهای مندرج در بند ۱۰ را احراز نمی‌کند و واحد تجاری مابه‌ازایی را از مشتری دریافت می‌کند، واحد تجاری تنها در صورتی باید مابه‌ازای دریافتی را به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند که یکی از رویدادهای زیر واقع شده باشد: الف. واحد تجاری تعهدات باقیمانده‌ای برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری نداشته باشد و تمام یا تقریباً تمام مابه‌ازای تعهدشده توسط مشتری را دریافت کرده باشد و غیرقابل استرداد باشد؛ یا ب. قرارداد خاتمه یافته باشد و مابه‌ازای دریافتی از مشتری غیرقابل استرداد باشد.

۱۷. واحد تجاری باید مابه‌ازای دریافتی از مشتری را تا زمان وقوع یکی از رویدادهای مندرج در بند ۱۶ یا تا زمانی که معیارهای مندرج در بند ۱۰ متعاقباً احراز شود (به بند ۱۵ مراجعه شود)، به عنوان بدهی شناسایی کند. این بدهی، با توجه به واقعیتها و شرایط مرتبط با قرارداد، یا بیانگر تعهد واحد تجاری به انتقال کالاها یا خدمات در آینده است یا بیانگر تعهد واحد تجاری به استرداد مابه‌ازای دریافتی است. در هر دو حالت، بدهی مذکور باید به مبلغ مابه‌ازای دریافتی از مشتری اندازه‌گیری شود.

ترکیب قراردادها

۱۸. واحد تجاری، در صورت احراز یک یا چند معیار از معیارهای زیر، باید دو یا چند قرارداد را که هم‌زمان یا در زمانهای نزدیک به هم با یک مشتری (یا اشخاص وابسته به آن مشتری) منعقد کرده است، ترکیب کند و آنها را به عنوان قراردادی واحد در نظر بگیرد: الف. قراردادها به صورت یک بسته با یک هدف تجاری واحد، مذاکره شده باشند؛ ب. مبلغ مابه‌ازای قابل پرداخت در یک قرارداد به قیمت یا عملکرد قرارداد دیگر بستگی داشته باشد؛ یا پ. کالاها یا خدمات تعهدشده در قراردادها (یا برخی کالاها یا خدمات تعهدشده در هر یک از قراردادها)، طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱ تعهد عملکردی واحدی باشند.

تعدیل قرارداد

۱۹. تعدیل قرارداد، تغییر در دامنه یا قیمت (یا هر دو) یک قرارداد است که به تایید طرفهای قرارداد رسیده است. در برخی صنایع و حوزه‌های مقرراتی، تعدیل قرارداد ممکن است به عنوان دستور تغییر، اصلاحیه، متمم یا الحاقیه قرارداد شناخته شود. تعدیل قرارداد زمانی وجود دارد که طرفهای قرارداد، تعدیلی را تأیید کنند که یا به ایجاد حقوق و تعهدات الزام‌آور جدید یا به تغییر حقوق و تعهدات الزام‌آور موجود برای طرفهای قرارداد منجر شود. تعدیل قرارداد می‌تواند به صورت کتبی، شفاهی یا بطور ضمنی طبق رویه‌های مرسوم تجاری تأیید شود. اگر طرفهای قرارداد، تعدیل قرارداد را تأیید نکرده باشند، واحد تجاری باید بکارگیری این استاندارد را برای قرارداد موجود، تا زمان تأیید تعدیل قرارداد ادامه دهد.

۲۰. حتی در صورتی که طرفهای قرارداد درباره دامنه تعدیل یا قیمت تعدیل (یا هر دو)، اختلاف نظر داشته باشند، یا طرفهای قرارداد تغییر در دامنه قرارداد را تأیید کرده باشند اما هنوز تغییر متناظر در قیمت را تعیین نکرده باشند، ممکن است تعدیل قرارداد وجود داشته باشد. برای تعیین اینکه حقوق و تعهدات ایجادشده یا تغییر یافته از طریق تعدیل، الزام‌آور است یا خیر، واحد تجاری باید تمام واقعیتها و شرایط مرتبط از جمله شرایط قرارداد و شواهد دیگر را مدنظر قرار دهد. اگر طرفهای قرارداد، تغییر در دامنه قرارداد را تأیید کرده باشند، اما هنوز تغییر متناظر در قیمت را تعیین نکرده باشند، واحد تجاری باید طبق بندهای ۵۱ تا ۵۵ در ارتباط با برآورد مابه‌ازای متغیر و بندهای ۵۷ تا ۵۹ در ارتباط با محدود کردن برآوردهای مابه‌ازای متغیر، تغییر در قیمت معامله که از تعدیل ناشی می‌شود را برآورد کند.

۲۱. واحد تجاری باید تعدیل قرارداد را در صورت وجود هر دو شرط زیر، به عنوان قراردادی جداگانه در نظر بگیرد:

الف. دامنه قرارداد به دلیل اضافه کردن کالاها یا خدمات تعهدشده‌ای که طبق بندهای ۲۷ تا ۳۱ متمایز هستند، افزایش یابد؛ و ب. قیمت قرارداد، به مبلغ مابه‌ازایی که نشان‌دهنده قیمت فروش مستقل کالاها یا خدمات تعهدشده اضافی و هرگونه تعدیل مقتضی در آن قیمت جهت انعکاس شرایط آن قرارداد خاص است، افزایش یابد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است قیمت فروش مستقل یک کالا یا خدمت اضافی را بابت تخفیفی که مشتری دریافت می‌کند تعدیل کند، زیرا ضرورتی ندارد واحد تجاری مخارج فروشی را تحمل کند که در صورت فروش کالا یا خدمت مشابه به یک مشتری جدید، متحمل می‌شد.

۲۲. اگر طبق بند ۲۱، تعدیل قرارداد به عنوان قرارداد جداگانه در نظر گرفته نشود، واحد تجاری باید کالاها یا خدمات تعهدشده‌ای که در تاریخ تعدیل قرارداد هنوز انتقال نیافته است (یعنی کالاها یا خدمات تعهدشده باقیمانده) را به یکی از شیوه‌های زیر، هر کدام که کاربرد داشته باشد، به حساب منظور کند:

الف. اگر کالاها یا خدمات باقیمانده، متمایز از کالاها یا خدمات انتقال یافته در تاریخ تعدیل قرارداد یا قبل از آن باشد، واحد تجاری باید تعدیل قرارداد را به گونه‌ای به حساب منظور کند که گویی قرارداد موجود خاتمه یافته و یک قرارداد جدید منعقد شده است. مبلغ مابه‌ازایی که باید به تعهدات عملکردی باقیمانده (یا کالاها یا خدمات متمایز باقیمانده در یک تعهد عملکردی منفرد مشخص شده طبق بند ۲۳(ب)) تخصیص یابد، مجموع موارد زیر است:

۱. مابه‌ازای تعهدشده توسط مشتری (شامل مبالغی که قبلاً از مشتری دریافت شده است) که در برآورد قیمت معامله منظور شده و به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی نشده است؛ و

۲. مابه‌ازای تعهدشده به عنوان بخشی از تعدیل قرارداد.

ب. اگر کالاها یا خدمات باقیمانده، متمایز نباشند و، در نتیجه بخشی از تعهد عملکردی منفردی را تشکیل دهند که قسمتی از آن تا تاریخ تعدیل قرارداد ایفا شده است، واحد تجاری باید تعدیل قرارداد را به گونه‌ای به حساب منظور کند که گویی بخشی از قرارداد موجود است. اثر تعدیل قرارداد بر قیمت معامله و اندازه‌گیری پیشرفت واحد تجاری در ایفای کامل تعهد عملکردی، در تاریخ تعدیل قرارداد به عنوان تعدیل درآمد عملیاتی (افزایش یا کاهش درآمد عملیاتی) شناسایی می‌شود (یعنی تعدیل درآمد عملیاتی بر مبنای آثار انباشته تغییرات).

پ. اگر کالاها یا خدمات باقیمانده ترکیبی از موارد (الف) و (ب) باشد، واحد تجاری باید آثار تعدیل بر تعهدات عملکردی ایفا نشده (شامل تعهداتی که بخشی از آن ایفا نشده است) در قرارداد تعدیل شده را به شیوه‌ای به حساب منظور کند که با اهداف این بند سازگار باشد.

تشخیص تعهدات عملکردی

۲۳. در آغاز قرارداد، واحد تجاری باید کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد با مشتری را ارزیابی کند و هرگونه تعهد برای انتقال موارد زیر به مشتری را به عنوان یک تعهد عملکردی تشخیص دهد:

الف. یک کالا یا خدمت (یا بسته‌ای از کالاها یا خدمات) که متمایز است؛ یا

ب. یک مجموعه از کالاها یا خدمات متمایز که تا حد زیادی یکسان هستند و الگوی انتقال آنها به مشتری یکسان است (به بند ۲۴ مراجعه شود).

۲۴. الگوی انتقال یک مجموعه از کالاها یا خدمات متمایز، در صورت احراز هر دو معیار زیر یکسان خواهد بود:

الف. هر کالا یا خدمت متمایز در مجموعه‌ای که واحد تجاری متعهد به انتقال آن به مشتری است، معیارهای مندرج در بند ۳۶ را برای در نظر گرفتن به عنوان تعهد عملکردی ایفا شده در طول زمان، احراز کند؛ و

ب. طبق بندهای ۴۰ تا ۴۱، به منظور اندازه‌گیری پیشرفت واحد تجاری در ایفای کامل تعهد عملکردی برای انتقال هر کالا یا خدمت متمایز در آن مجموعه به مشتری، از شیوه یکسانی استفاده شود.

تعهدات در قرارداد با مشتریان

۲۵. در قرارداد با مشتری، عموماً کالاها یا خدماتی که واحد تجاری متعهد به انتقال آنها به مشتری است، به صراحت مشخص می‌شود. با وجود این، تعهدات عملکردی مشخص شده در قرارداد با مشتری ممکن است محدود به کالاها یا خدماتی نباشد که به صراحت در قرارداد ذکر شده است. دلیل این موضوع آن است که قرارداد با مشتری ممکن است شامل تعهداتی باشد که بطور ضمنی از طریق رویه‌های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانه‌های خاص منتشر شده واحد تجاری بیان شده است، مشروط بر اینکه، در زمان انعقاد قرارداد، تعهدات مذکور توقع به‌جایی در مشتری ایجاد کند که واحد تجاری آن کالا یا خدمات را به مشتری منتقل خواهد کرد.

۲۶. در تعهدات عملکردی، فعالیت‌هایی که واحد تجاری باید برای ایفای قرارداد تقبل کند، درج نمی‌شود مگر اینکه فعالیت‌های مذکور کالا یا خدمتی را به مشتری انتقال دهند. برای مثال، ممکن است لازم باشد ارائه‌دهندگان خدمات، امور اداری گوناگونی را برای تنظیم قرارداد انجام دهند. اجرای این امور هیچ خدمتی را همزمان با اجرای آن، به مشتری منتقل نمی‌کند. بنابراین، این فعالیت‌های تنظیم قرارداد، تعهد عملکردی محسوب نمی‌شود.

کالاها یا خدمات متمایز

۲۷. کالاها یا خدمات تعهدشده، بسته به قرارداد ممکن است شامل موارد زیر باشد، اما محدود به این موارد نیست:
- الف. فروش محصولات تولیدشده توسط یک واحد تجاری (برای مثال، موجودی محصولات یک واحد تولیدی)؛
 - ب. فروش کالاها یا خریداری شده توسط واحد تجاری (برای مثال، موجودی کالای یک واحد بازرگانی)؛
 - پ. فروش حق نسبت به کالاها یا خدمات خریداری شده توسط یک واحد تجاری (برای مثال، فروش بلیط توسط یک واحد تجاری که به عنوان اصل، طبق توصیف بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲، عمل می کند)؛
 - ت. انجام وظیفه (یا وظایفی) برای مشتری، که بطور قراردادی در مورد آن توافق شده است؛
 - ث. ارائه خدمت آمادگی برای فراهم کردن کالاها یا خدمات (برای مثال، به روزآوری از پیش تعیین نشده نرم افزار که بر مبنای "در صورت در دسترس بودن" عرضه می شود) یا ارائه خدمت فراهم کردن کالاها یا خدمات در دسترس برای مشتری جهت استفاده به محض اینکه مشتری تصمیم بگیرد؛
 - ج. ارائه خدمت فراهم کردن بستر انتقال کالاها یا خدمات به مشتری برای شخصی دیگر (برای مثال، عمل به عنوان نماینده شخصی دیگر، طبق توصیف بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲)؛
 - چ. اعطای حق نسبت به کالاها یا خدماتی که قرار است در آینده ارائه شود، به گونه ای که مشتری بتواند آن را مجدداً برای مشتریان خود فراهم کند یا به آنها بفروشد (برای مثال، یک واحد تجاری که محصول خود را به یک واحد بازرگانی می فروشد، متعهد می شود کالا یا خدمتی اضافی را به فردی که آن محصول را از واحد بازرگانی خریداری می کند، انتقال دهد)؛
 - ح. ساخت، تولید یا ایجاد یک دارایی از جانب یک مشتری؛
 - خ. اعطای مجوز (به بندهای ب ۵۶ تا ب ۶۹ مراجعه شود)؛ و
 - د. اعطای اختیار خرید کالاها یا خدمات اضافی (در صورتی که اختیارات مذکور حق بااهمیتی برای مشتری ایجاد کند، طبق توصیف بندهای ب ۴۳ تا ب ۴۷).
۲۸. کالا یا خدمت تعهدشده به مشتری، در صورت احراز هر دو معیار زیر متمایز محسوب می شود:
- الف. مشتری بتواند از آن کالا یا خدمت، به تنهایی یا همراه با سایر منابعی که به سهولت در دسترس است، منتفع شود (یعنی کالا یا خدمت قابلیت متمایز بودن را دارد)؛ و
 - ب. تعهد واحد تجاری برای انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری، از سایر تعهدات مندرج در قرارداد بطور جداگانه قابل تشخیص باشد (یعنی تعهد برای انتقال کالا یا خدمت، در متن قرارداد متمایز شده باشد).
۲۹. یک مشتری در صورتی می تواند طبق بند ۲۸ (الف) از یک کالا یا خدمت منتفع شود که آن کالا یا خدمت را بتواند استفاده کند، مصرف کند، در ازای مبلغی بیشتر از ارزش اسقاط، آن را به فروش برساند یا به شیوه ای نگهداری کند که منافع اقتصادی آنی ایجاد نماید. در مورد برخی کالاها یا خدمات، مشتری ممکن است بتواند از کالا یا خدمت، به تنهایی منتفع شود. در مورد برخی دیگر از کالاها یا خدمات، مشتری ممکن است بتواند از کالا یا خدمت تنها در ترکیب با منابع دیگری که به سهولت در دسترس است، منتفع شود. منبع به سهولت در دسترس، کالا یا خدمتی است که بطور جداگانه به فروش می رسد (توسط واحد تجاری یا واحد تجاری دیگر) یا منبعی است که مشتری قبلاً آن را از واحد تجاری (شامل کالاها یا خدماتی که واحد تجاری طبق قرارداد، قبلاً به مشتری منتقل کرده است) یا از سایر معاملات یا رویدادها به دست آورده است. عوامل گوناگون ممکن است شواهدی فراهم کند که نشان می دهد مشتری می تواند از کالا یا خدمت، به تنهایی یا در ترکیب با سایر منابع به سهولت در دسترس منتفع شود. برای مثال، این موضوع که واحد تجاری یک کالا یا خدمت را معمولاً بطور جداگانه می فروشد، نشان می دهد که مشتری می تواند از آن کالا یا خدمت، به تنهایی یا در ترکیب با سایر منابع به سهولت در دسترس، منتفع شود.
۳۰. هدف از ارزیابی اینکه تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، طبق بند ۲۸ (ب) بطور جداگانه قابل تشخیص است یا خیر، این است که مشخص شود ماهیت تعهد در متن قرارداد، انتقال هر یک از آن کالاها یا خدمات بطور جداگانه است یا انتقال یک قلم ترکیبی یا اقلامی است که کالاها یا خدمات مزبور، ورودی آنها می باشد. عواملی که نشان می دهد دو یا چند تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، بطور جداگانه قابل تشخیص نیست شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نیست:
- الف. واحد تجاری خدمت قابل ملاحظه ای برای یکپارچه سازی آن کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد با سایر کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد ارائه می کند تا به بسته ای از کالاها یا خدماتی دست یابد که نشان دهنده یک خروجی ترکیبی یا چندین

خروجی است که مشتری برای دستیابی به آن خروجیها، قرارداد را منعقد کرده است. به عبارت دیگر، واحد تجاری از آن کالاها یا خدمات به عنوان ورودی استفاده می کند تا یک خروجی ترکیبی یا چندین خروجی مشخص شده توسط مشتری را تولید کند یا تحویل دهد. یک خروجی ترکیبی یا چندین خروجی ممکن است شامل بیش از یک مرحله، عنصر یا واحد باشد. ب. یک یا چند کالا یا خدمات تعهدشده در قرارداد، بطور قابل ملاحظه ای یک یا چند کالا یا خدمات دیگر تعهدشده در قرارداد را تعدیل یا سفارشی سازی کند، یا بطور قابل ملاحظه ای توسط یک یا چند کالا یا خدمات دیگر تعهدشده در قرارداد تعدیل یا سفارشی سازی شود.

پ. کالاها یا خدمات، وابستگی یا ارتباط بسیار زیادی با یکدیگر داشته باشند. به عبارت دیگر، هر یک از کالاها یا خدمات، بطور قابل ملاحظه ای تحت تأثیر یک یا چند کالا یا خدمات دیگر مندرج در قرارداد قرار گیرد. برای مثال، در برخی موارد، دو یا چند کالا یا خدمات به این دلیل بطور قابل ملاحظه ای تحت تأثیر یکدیگر قرار می گیرند که واحد تجاری نمی تواند از طریق انتقال هر کدام از آن کالاها یا خدمات بطور مستقل از دیگری، تعهد خود را ایفا کند.

۳۱. اگر کالا یا خدمات تعهدشده متمایز نباشد، واحد تجاری باید آن کالا یا خدمات را تا جایی با سایر کالاها یا خدمات تعهدشده ترکیب کند که بسته ای از کالاها یا خدمات متمایز را تشخیص دهد. در برخی موارد، این امر موجب می شود تمام کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد، به عنوان یک تعهد عملکردی منفرد در نظر گرفته شوند.

ایفای تعهدات عملکردی

۳۲. واحد تجاری باید زمانی (یا در طول زمانی) درآمد عملیاتی را شناسایی کند که یک تعهد عملکردی را از طریق انتقال کالا یا خدمات تعهدشده (یعنی یک دارایی) به مشتری ایفا نماید. یک دارایی زمانی (یا در طول زمانی) انتقال می یابد که مشتری کنترل آن دارایی را به دست می آورد.

۳۳. برای هر تعهد عملکردی مشخص شده طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱، واحد تجاری باید در آغاز قرارداد تعیین کند که آیا تعهد عملکردی را در طول زمان (طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸) یا در نقطه ای از زمان (طبق بند ۳۹) ایفا می کند. اگر واحد تجاری تعهد عملکردی را در طول زمان ایفا نکند، تعهد عملکردی در نقطه ای از زمان ایفا شده است.

۳۴. کالاها و خدمات، در زمان دریافت و استفاده، حتی اگر برای لحظاتی باشد، دارایی هستند (همانطور که در مورد بسیاری از خدمات اینگونه است). کنترل یک دارایی به توانایی هدایت استفاده از دارایی و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده دارایی اشاره دارد. کنترل شامل توانایی منع سایر اشخاص از هدایت استفاده از دارایی و کسب منافع حاصل از دارایی است. منافع یک دارایی، جریانهای نقدی (جریانهای نقدی ورودی یا جلوگیری از خروج جریانهای نقدی) بالقوه ای است که بطور مستقیم یا غیرمستقیم، به شیوه های متعدد از جمله موارد زیر می تواند به دست آید:

الف. استفاده از دارایی برای تولید کالاها یا ارائه خدمات (شامل خدمات عمومی)؛

ب. استفاده از دارایی برای افزایش ارزش سایر داراییها؛

پ. استفاده از دارایی برای تسویه بدهیها یا کاهش هزینه ها؛

ت. فروش یا معاوضه دارایی؛

ث. وثیقه گذاشتن دارایی برای تضمین یک وام؛ و

ج. نگهداری دارایی.

۳۵. واحد تجاری، هنگام ارزیابی اینکه یک مشتری کنترل یک دارایی را به دست آورده است یا خیر، باید هر گونه توافق بازخرید دارایی را مدنظر قرار دهد (به بندهای ب ۷۰ تا ب ۸۲ مراجعه شود).

تعهدات عملکردی ایفاشده در طول زمان

۳۶. واحد تجاری، در صورت احراز هر یک از معیارهای زیر، کنترل کالا یا خدمات را در طول زمان منتقل می کند و بنابراین، در طول زمان تعهد عملکردی را ایفا و درآمد عملیاتی را شناسایی می نماید:

الف. مشتری، در طول زمان ایفای تعهد عملکردی توسط واحد تجاری، منافع ایجادشده از عملکرد واحد تجاری را همزمان دریافت و مصرف کند (به بندهای ب ۳ تا ب ۴ مراجعه شود)؛

ب. عملکرد واحد تجاری، دارایی (برای مثال، کار در جریان پیشرفت) را ایجاد کند یا توسعه دهد که مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، آن را کنترل کند (به بند ب ۵ مراجعه شود)؛ یا

پ. عملکرد واحد تجاری، دارایی با کاربرد جایگزین برای واحد تجاری ایجاد نکند (به بند ۳۷ مراجعه شود) و واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، حق الزام آور داشته باشد (به بند ۳۸ مراجعه شود).

۳۷. دارایی ایجاد شده از طریق عملکرد واحد تجاری، در صورتی برای واحد تجاری کاربرد جایگزین ندارد که واحد تجاری، در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، با قیود قراردادی برای هدایت دارایی به منظور استفاده‌ای دیگر مواجه باشد یا برای هدایت دارایی در وضعیت تکمیل شده جهت استفاده‌ای دیگر محدودیت عملی داشته باشد. ارزیابی اینکه دارایی برای واحد تجاری کاربرد جایگزین دارد یا خیر، در آغاز قرارداد صورت می‌گیرد. پس از آغاز قرارداد، واحد تجاری نباید ارزیابی کاربرد جایگزین دارایی را به‌روزرسانی کند، مگر اینکه طرفهای قرارداد، تعدیلی در قرارداد را تأیید کنند که به موجب آن، تعهد عملکردی اساساً تغییر کند. در بندهای ب۶ تا ب۸، رهنمودهای ارزیابی اینکه دارایی برای واحد تجاری کاربرد جایگزین دارد یا خیر، ارائه شده است.

۳۸. واحد تجاری هنگام ارزیابی اینکه طبق بند ۳۶ (پ) نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، حق الزام آور دارد یا خیر، باید شرایط قرارداد و نیز قوانین مرتبط با قرارداد را مدنظر قرار دهد. ضرورتی ندارد که حق نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، مبلغی ثابت باشد. با وجود این، اگر قرارداد به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهد توسط واحد تجاری، به وسیله مشتری یا شخص دیگری خاتمه یابد، واحد تجاری باید در تمام طول مدت قرارداد، نسبت به مبلغی محق باشد که حداقل، عملکرد تکمیل شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را جبران کند. در بندهای ب۹ تا ب۱۳، در مورد ارزیابی وجود و الزام آور بودن حق نسبت به پرداخت مشتری و اینکه حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری، واحد تجاری را به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ محق می‌کند یا خیر، رهنمود ارائه شده است.

تعهدات عملکردی ایفا شده در نقطه‌ای از زمان

۳۹. اگر واحد تجاری تعهد عملکردی را طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸ در طول زمان ایفا نکند، تعهد عملکردی در نقطه‌ای از زمان ایفا شده است. برای تعیین نقطه‌ای از زمان که در آن، مشتری کنترل دارایی تعهد شده را به دست می‌آورد و واحد تجاری تعهد عملکردی را ایفا می‌کند، واحد تجاری باید الزامات کنترل طبق بندهای ۳۲ تا ۳۵ را مدنظر قرار دهد. افزون بر این، واحد تجاری باید نشانه‌های انتقال کنترل، که شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نیست، را در نظر بگیرد:

الف. واحد تجاری حق فعلی نسبت به پرداخت مشتری بابت دارایی داشته باشد - چنانچه مشتری در حال حاضر متعهد به پرداخت بابت دارایی باشد، این موضوع ممکن است نشان دهد که مشتری توانایی هدایت استفاده از دارایی مورد مبادله را کسب کرده و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن دارایی را به دست آورده است.

ب. مشتری مالکیت قانونی دارایی را داشته باشد - مالکیت قانونی ممکن است نشان دهد که کدام یک از طرفهای قرارداد توانایی هدایت استفاده از دارایی را دارد و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از دارایی را به دست می‌آورد، یا می‌تواند دسترسی واحدهای تجاری دیگر به منافع مذکور را محدود کند. بنابراین، انتقال مالکیت قانونی یک دارایی ممکن است نشان دهد که مشتری کنترل دارایی را به دست آورده است. اگر واحد تجاری مالکیت قانونی را صرفاً به منظور محافظت در برابر عدم پرداختهای مشتری حفظ کند، این حق واحد تجاری مانع به دست آوردن کنترل دارایی توسط مشتری نمی‌شود.

پ. واحد تجاری تصرف فیزیکی دارایی را منتقل کرده باشد - تصرف فیزیکی دارایی ممکن است نشان دهد مشتری توانایی هدایت استفاده از دارایی را دارد و تقریباً تمام منافع باقیمانده دارایی را به دست می‌آورد، یا می‌تواند دسترسی واحدهای تجاری دیگر به منافع مذکور را محدود کند. با وجود این، تصرف فیزیکی و کنترل دارایی، ممکن است همزمان با یکدیگر وجود نداشته باشند. برای مثال، در برخی توافقات بازخريد و در برخی قراردادهای حق عملکردی، مشتری یا حق العمل کار ممکن است تصرف فیزیکی دارایی تحت کنترل واحد تجاری را داشته باشد. در مقابل، در برخی توافقات فروش و نگهداری، واحد تجاری ممکن است تصرف فیزیکی دارایی تحت کنترل مشتری را داشته باشد. در بندهای ب۷۰ تا ب۸۲، ب۸۳ تا ب۸۴ و ب۸۵ تا ب۸۸، به ترتیب رهنمودهایی درباره حسابداری توافقات بازخريد، توافقات حق عملکردی و توافقات فروش و نگهداری ارائه شده است.

ت. مشتری ریسکها و مزایای عمده مالکیت دارایی را داشته باشد - انتقال ریسکها و مزایای عمده مالکیت یک دارایی به مشتری ممکن است نشان دهد آن مشتری، توانایی هدایت استفاده از دارایی و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از

دارایی را به دست آورده است. با وجود این، هنگام ارزیابی ریسکها و مزایای مالکیت دارایی تعهدشده، واحد تجاری باید ریسکی که منجر به ایجاد تعهد عملکردی جداگانه، مازاد بر تعهد عملکردی انتقال دارایی می شود را مستثنی کند. برای مثال، واحد تجاری ممکن است کنترل دارایی را به مشتری انتقال داده باشد، اما هنوز تعهد عملکردی اضافی برای ارائه خدمات حفاظت و نگهداری مرتبط با دارایی انتقال یافته را ایفا نکرده باشد.

ث. مشتری دارایی را پذیرفته باشد- پذیرش دارایی توسط مشتری ممکن است بیانگر آن باشد که مشتری توانایی هدایت استفاده از دارایی و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از دارایی را به دست آورده است. برای ارزیابی تأثیر شرطهای قراردادی پذیرش توسط مشتری بر زمان انتقال کنترل دارایی، واحد تجاری باید رهنمود مندرج در بندهای ب ۸۹ تا ب ۹۲ را مورد توجه قرار دهد.

اندازه گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی

۴۰. برای هر تعهد عملکردی که طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸ در طول زمان ایفا می شود، واحد تجاری باید درآمد عملیاتی را در طول زمان از طریق اندازه گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی مذکور شناسایی کند. هنگام اندازه گیری پیشرفت، هدف این است که عملکرد واحد تجاری در انتقال کنترل کالاها یا خدمات تعهدشده به مشتری (یعنی ایفای تعهد عملکردی واحد تجاری) نشان داده شود.

۴۱. واحد تجاری باید از یک روش واحد برای اندازه گیری پیشرفت هر تعهد عملکردی ایفاشده در طول زمان استفاده کند و باید آن روش را بطور یکنواخت برای تعهدات عملکردی مشابه و در شرایط مشابه بکار گیرد. در پایان هر دوره گزارشگری، واحد تجاری باید پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی ایفاشده در طول زمان را تجدید اندازه گیری کند.

روشهای اندازه گیری پیشرفت

۴۲. روشهای مناسب اندازه گیری پیشرفت، شامل روشهای مبتنی بر خروجی و روشهای مبتنی بر ورودی است. برای بکارگیری روشهای مبتنی بر خروجی و روشهای مبتنی بر ورودی توسط واحد تجاری به منظور اندازه گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهدات عملکردی، در بندهای ب ۱۴ تا ب ۱۹ رهنمود ارائه می شود. واحد تجاری، در تعیین روش مناسب برای اندازه گیری پیشرفت، باید ماهیت کالا یا خدمتی که متعهد است به مشتری منتقل کند را مدنظر قرار دهد.

۴۳. واحد تجاری هنگام بکارگیری یک روش برای اندازه گیری پیشرفت باید هر گونه کالا یا خدمتی که کنترل آن را به مشتری منتقل نمی کند، از اندازه گیری پیشرفت مستثنی نماید. در مقابل، واحد تجاری باید هر گونه کالا یا خدمتی که کنترل آن را با ایفای تعهد عملکردی به مشتری منتقل می کند، در اندازه گیری پیشرفت در نظر بگیرد.

۴۴. واحد تجاری باید با تغییر شرایط در طول زمان، اندازه گیری پیشرفت را به روزآوری کند تا هر گونه تغییر در نتیجه تعهد عملکردی را منعکس نماید. چنین تغییراتی در اندازه گیری پیشرفت واحد تجاری، باید طبق استاندارد حسابداری ۳۴ رویه های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، به عنوان تغییر در برآورد حسابداری در نظر گرفته شود.

اندازه گیری معقول پیشرفت

۴۵. واحد تجاری تنها در صورتی که بتواند بطور معقول پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی را اندازه گیری کند، باید بابت تعهد عملکردی ایفاشده در طول زمان، درآمد عملیاتی شناسایی کند. چنانچه اطلاعات قابل اتکای لازم برای بکارگیری روش مناسب اندازه گیری پیشرفت وجود نداشته باشد، واحد تجاری نمی تواند پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی را بطور معقول اندازه گیری کند.

۴۶. واحد تجاری در برخی شرایط (برای مثال، در مراحل ابتدایی قرارداد) ممکن است نتواند نتیجه یک تعهد عملکردی را بطور معقول اندازه گیری کند اما انتظار داشته باشد مخارج تحمل شده برای ایفای تعهد عملکردی را باز یافت نماید. در این شرایط، مادامی که واحد تجاری نتواند نتیجه تعهد عملکردی را بطور معقول اندازه گیری کند، باید درآمد عملیاتی را تنها تا میزان مخارج تحمل شده شناسایی نماید.

اندازه گیری

۴۷. واحد تجاری، زمانی (یا در طول زمانی) که تعهد عملکردی ایفا می شود، باید قیمت معامله (که برآورد مابه ازای متغیر محدودشده طبق بندهای ۵۷ تا ۵۹ از آن مستثنی شده است) را که به آن تعهد عملکردی تخصیص یافته است، به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند.

تعیین قیمت معامله

۴۸. واحد تجاری باید شرایط قرارداد و رویه‌های مرسوم تجاری خود را برای تعیین قیمت معامله در نظر بگیرد. قیمت معامله، مبلغ مابه‌ازایی است که واحد تجاری انتظار دارد در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهدشده به مشتری، نسبت به آن محق باشد، به استثنای مبالغی که به نمایندگی از اشخاص ثالث وصول می‌شود (برای مثال، مالیات بر ارزش افزوده). مابه‌ازای تعهدشده در قرارداد با مشتری، ممکن است شامل مبالغ ثابت، مبالغ متغیر، یا هر دو باشد.

۴۹. ماهیت، زمانبندی و مبلغ مابه‌ازای تعهدشده توسط مشتری، بر برآورد قیمت معامله تأثیر می‌گذارد. هنگام تعیین قیمت معامله، واحد تجاری باید آثار تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. مابه‌ازای متغیر (به بندهای ۵۱ تا ۵۶ و ۶۰ مراجعه شود)؛

ب. محدود کردن برآوردهای مابه‌ازای متغیر (به بندهای ۵۷ تا ۵۹ مراجعه شود)؛

پ. وجود جزء تأمین مالی بااهمیت در قرارداد (به بندهای ۶۱ تا ۶۶ مراجعه شود)؛

ت. مابه‌ازای غیرنقدی (به بندهای ۶۷ تا ۷۰ مراجعه شود)؛ و

ث. مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری (به بندهای ۷۱ تا ۷۳ مراجعه شود).

۵۰. واحد تجاری برای تعیین قیمت معامله باید فرض کند که کالاها یا خدمات، طبق مشخصات مندرج در قرارداد فعلی به مشتری انتقال خواهد یافت و قرارداد، فسخ، تمدید یا تعدیل نخواهد شد.

مابه‌ازای متغیر

۵۱. اگر مابه‌ازای تعهدشده در قرارداد شامل یک مبلغ متغیر باشد، واحد تجاری باید مبلغ مابه‌ازایی که در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهدشده به مشتری، نسبت به آن محق است را برآورد کند.

۵۲. مبلغ مابه‌ازا می‌تواند به دلیل تخفیفها، استردادها، اعتبارات، مشوقهای قیمت، مشوقها، پاداشهای عملکرد، جرائم یا اقلام مشابه دیگر تغییر کند. در صورتی که حق واحد تجاری نسبت به مابه‌ازا، مشروط به وقوع یا عدم وقوع یک رویداد آتی باشد نیز مابه‌ازای تعهدشده می‌تواند تغییر کند. برای مثال، اگر محصول با حق برگشت به فروش برسد یا اگر مبلغ ثابتی به عنوان پاداش عملکرد برای دستیابی به یک سطح مشخص تعهد شود، مبلغ مابه‌ازا متغیر است.

۵۳. متغیر بودن مابه‌ازای تعهدشده توسط مشتری، ممکن است به صراحت در قرارداد ذکر شده باشد. افزون بر شرایط قرارداد، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، مابه‌ازای تعهدشده، متغیر است:

الف. مشتری در نتیجه رویه‌های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانیه‌های خاص منتشرشده واحد تجاری، توقع به جایی داشته باشد که واحد تجاری مبلغ مابه‌ازایی کمتر از قیمت ذکرشده در قرارداد را بپذیرد. یعنی انتظار می‌رود که واحد تجاری مشوق قیمت پیشنهاد کند. این پیشنهاد، با توجه به حوزه مقرراتی، صنعت یا مشتری می‌تواند به عنوان تخفیف، استرداد یا اعتبار مطرح شود.

ب. سایر واقعیتهای و شرایط نشان دهد که قصد واحد تجاری هنگام انعقاد قرارداد با مشتری، پیشنهاد مشوق قیمت به مشتری است.

۵۴. واحد تجاری باید با استفاده از یکی از روشهای زیر، بسته به اینکه واحد تجاری انتظار دارد کدام روش مبلغ مابه‌ازایی که نسبت به دریافت آن محق خواهد بود را بهتر پیش‌بینی کند، مبلغ مابه‌ازای متغیر را برآورد نماید:

الف. **ارزش مورد انتظار** - ارزش مورد انتظار، مجموع مبالغ موزون‌شده بر اساس احتمالات، در دامنه‌ای از مبالغ ممکن مابه‌ازا است. در صورتی که واحد تجاری تعداد زیادی قرارداد با ویژگیهای مشابه داشته باشد، ارزش مورد انتظار ممکن است برآورد مناسبی از مبلغ مابه‌ازای متغیر باشد.

ب. **محتمل‌ترین مبلغ** - محتمل‌ترین مبلغ، مبلغی است که در دامنه‌ای از مبالغ مابه‌ازای ممکن، بیشترین احتمال وقوع را دارد (یعنی محتمل‌ترین نتیجه قرارداد). در صورتی که قرارداد تنها دو نتیجه ممکن داشته باشد (برای مثال، اینکه واحد تجاری به پاداش عملکرد می‌رسد یا خیر)، محتمل‌ترین مبلغ، ممکن است برآورد مناسبی از مبلغ مابه‌ازای متغیر باشد.

۵۵. واحد تجاری برای برآورد اثر عدم اطمینان بر مبلغ مابه‌ازای متغیری که نسبت به آن محق است، باید یک روش را بطور یکنواخت در کل دوره قرارداد بکار گیرد. افزون بر این، واحد تجاری باید تمام اطلاعاتی (تاریخی، جاری و پیش‌بینی) که بطور معقول به آنها دسترسی دارد را مدنظر قرار دهد و میزان معقول مبالغ مابه‌ازای ممکن را مشخص کند. اطلاعاتی که واحد تجاری برای برآورد مبلغ

مابه‌ازای متغیر استفاده می‌کند، بطور معمول مشابه اطلاعاتی است که مدیریت واحد تجاری در فرایند پیشنهاد قیمت و در تعیین قیمت کالاها یا خدمات تعهدشده مورد استفاده قرار می‌دهد.

بدهیهای استرداد

۵۶. در صورتی که واحد تجاری مابه‌ازایی از مشتری دریافت کند و انتظار استرداد تمام یا قسمتی از آن مابه‌ازا را به مشتری داشته باشد، واحد تجاری باید بدهی استرداد شناسایی کند. بدهی استرداد، به مبلغ مابه‌ازای دریافتی (یا دریافتی) که واحد تجاری انتظار ندارد نسبت به آن محق باشد، اندازه‌گیری می‌شود (یعنی مبالغی که در قیمت معامله منظور نشده است). بدهی استرداد (و تغییر متناظر در قیمت معامله و بنابراین **بدهی ناشی از قرارداد**) باید در پایان هر دوره گزارشگری، بابت تغییر در شرایط به‌روزرسانی شود. واحد تجاری برای به حساب گرفتن بدهی استرداد مربوط به فروش با حق برگشت، باید رهنمود مندرج در بندهای ب ۲۰ تا ب ۲۷ را بکار گیرد.

محدود کردن برآوردهای مابه‌ازای متغیر

۵۷. واحد تجاری باید تمام یا قسمتی از مبلغ مابه‌ازای متغیر برآورده شده طبق بند ۵۴ را تنها تا میزانی در قیمت معامله منظور کند که در صورت برطرف شدن عدم اطمینان مرتبط با مابه‌ازای متغیر در آینده، بسیار محتمل باشد که برگشت عمده‌ای در مبلغ درآمد عملیاتی انباشته شناسایی شده رخ ندهد.

۵۸. در ارزیابی اینکه در صورت برطرف شدن عدم اطمینان مرتبط با مابه‌ازای متغیر در آینده، آیا بسیار محتمل است که برگشت عمده‌ای در مبلغ درآمد عملیاتی انباشته شناسایی شده رخ ندهد، واحد تجاری باید احتمال برگشت درآمد عملیاتی و میزان برگشت درآمد عملیاتی را مدنظر قرار دهد. عواملی که می‌تواند احتمال یا میزان برگشت درآمد عملیاتی را افزایش دهد، شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نمی‌شود:

- الف. مبلغ مابه‌ازا نسبت به عواملی که خارج از کنترل واحد تجاری است، بسیار حساس باشد. این عوامل ممکن است شامل نوسان در بازار، قضاوت یا اقدامات اشخاص ثالث، وضعیت آب و هوا و ریسک بالای منسوخ شدن کالا یا خدمت تعهدشده باشد.
- ب. انتظار نرود عدم اطمینان مرتبط با مبلغ مابه‌ازا، برای مدت طولانی برطرف شود.
- پ. تجربه واحد تجاری (یا سایر شواهد) در ارتباط با انواع قراردادهای مشابه محدود باشد، یا تجربه (یا سایر شواهد) مذکور، ارزش پیش‌بینی‌کنندگی محدودی داشته باشد.
- ت. رویه واحد تجاری، پیشنهاد دامنه وسیعی از مشوقهای قیمت یا تغییر مفاد و شرایط پرداخت قراردادهای مشابه در شرایط مشابه باشد.
- ث. قرارداد دارای تعداد زیادی و دامنه وسیعی از مبالغ مابه‌ازای ممکن باشد.

۵۹. واحد تجاری برای به حساب منظور کردن مابه‌ازا به شکل حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده که در ازای مجوز دارایی فکری تعهد شده است، باید بند ب ۶۷ را بکار گیرد.

ارزیابی مجدد مابه‌ازای متغیر

۶۰. واحد تجاری باید در پایان هر دوره گزارشگری، قیمت برآوردی معامله را به منظور بیان صادقانه شرایط موجود در پایان دوره گزارشگری و تغییر در شرایط طی دوره گزارشگری، به‌روزرسانی کند (شامل به‌روزرسانی ارزیابی اینکه برآورد مابه‌ازای متغیر، محدود شده است یا خیر). واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را طبق بندهای ۸۸ تا ۹۱ به حساب منظور کند.

وجود جزء تأمین مالی بااهمیت در قرارداد

۶۱. در تعیین قیمت معامله، واحد تجاری در صورتی باید مبلغ مابه‌ازای تعهدشده را بابت آثار ارزش زمانی پول تعدیل کند که زمانبندی پرداختهای مورد توافق طرفهای قرارداد (بطور صریح یا ضمنی)، برای مشتری یا واحد تجاری منافع عمده‌ای از طریق تأمین مالی جهت انتقال کالاها یا خدمات به مشتری فراهم کند. در چنین شرایطی، قرارداد دربردارنده جزء تأمین مالی بااهمیت است. جزء تأمین مالی بااهمیت ممکن است از طریق تصریح تعهد تأمین مالی در قرارداد یا بیان ضمنی از طریق شرایط پرداخت مورد توافق طرفهای قرارداد، وجود داشته باشد.

۶۲. هدف واحد تجاری هنگام تعدیل مبلغ مابه‌ازای تعهدشده بابت جزء تأمین مالی بااهمیت، شناسایی درآمد عملیاتی به مبلغی برابر با قیمتی است که اگر قرار بود مشتری برای کالاها یا خدمات تعهدشده، در زمان (یا در طول زمان) انتقال کالاها یا خدمات به مشتری وجه نقد پرداخت کند (یعنی قیمت فروش نقدی)، قیمت مزبور را بابت آن کالاها یا خدمات پرداخت می‌کرد. واحد تجاری برای ارزیابی اینکه

قرارداد جزء تأمین مالی دارد یا خیر و اینکه جزء تأمین مالی مذکور، در قرارداد از اهمیت برخوردار است یا خیر، باید تمام واقعیتها و شرایط مربوط، شامل هر دو مورد زیر را مدنظر قرار دهد:

- الف. تفاوت بین مبلغ مابه‌ازای تعهدشده و قیمت فروش نقدی کالاها یا خدمات تعهدشده، در صورت وجود؛ و
ب. اثر ترکیبی هر دو مورد زیر:

۱. مدت زمان مورد انتظار بین زمان انتقال کالاها یا خدمات تعهدشده توسط واحد تجاری به مشتری و زمان پرداخت توسط مشتری بابت کالاها یا خدمات مذکور؛ و
۲. نرخهای سود رایج در بازار مربوط.

۶۳. علی‌رغم ارزیابی مندرج در بند ۶۱، در صورت وجود هر یک از عوامل زیر، قرارداد با مشتری جزء تأمین مالی بااهمیت ندارد:
الف. مشتری بابت کالاها یا خدمات، پیش‌پرداخت انجام داده باشد و زمانبندی انتقال کالاها یا خدمات مذکور، در اختیار مشتری باشد.

ب. قسمت عمده مبلغ مابه‌ازای تعهدشده توسط مشتری، متغیر باشد و مبلغ یا زمانبندی مابه‌ازای مذکور، بر مبنای وقوع یا عدم وقوع یک رویداد آتی که اساساً در کنترل واحد تجاری یا مشتری نیست، تغییر کند (برای مثال، در صورتی که مابه‌ازا، حق امتیاز مبتنی بر فروش باشد).

پ. تفاوت بین مابه‌ازای تعهدشده و قیمت فروش نقدی کالا یا خدمت (طبق توصیف بند ۶۲)، به دلایلی غیر از تأمین منابع مالی برای مشتری یا واحد تجاری ایجاد شده باشد، و تفاوت بین آن مبالغ متناسب با دلیل تفاوت باشد. برای مثال، شرایط پرداخت ممکن است به گونه‌ای باشد که از مشتری یا واحد تجاری در برابر عدم ایفای کامل تمام یا قسمتی از تعهدات مندرج در قرارداد توسط طرف دیگر، محافظت کند.

۶۴. به عنوان یک اقتضای عملی، اگر واحد تجاری در آغاز قرارداد انتظار داشته باشد که دوره زمانی بین انتقال کالا یا خدمت تعهدشده توسط واحد تجاری به مشتری و پرداخت توسط مشتری بابت کالا یا خدمت مذکور، یکسال یا کمتر باشد، ضرورتی ندارد واحد تجاری مبلغ مابه‌ازای تعهدشده را بابت آثار جزء تأمین مالی بااهمیت تعدیل کند.

۶۵. برای دستیابی به هدف بند ۶۱، هنگام تعدیل مبلغ مابه‌ازای تعهدشده بابت جزء تأمین مالی بااهمیت، واحد تجاری باید از نرخ تنزیلی استفاده کند که اگر در آغاز قرارداد یک معامله تأمین مالی جداگانه بین واحد تجاری و مشتری انجام می‌شد، آن نرخ تنزیل مورد استفاده قرار می‌گرفت. نرخ مذکور، ویژگیهای اعتباری طرف دریافت‌کننده تأمین مالی در قرارداد، و نیز هر گونه وثیقه یا تضمین تأمین‌شده توسط مشتری یا واحد تجاری، از جمله داراییهای منتقل‌شده در قرارداد را منعکس می‌کند. واحد تجاری ممکن است بتواند با مشخص کردن نرخ تنزیلی که ارزش فعلی مبلغ اسمی مابه‌ازای تعهدشده را با پرداخت نقدی مشتری بابت کالاها یا خدمات در زمان (یا در طول زمان) انتقال آنها به مشتری برابر می‌کند، نرخ مورد نظر را تعیین نماید. واحد تجاری پس از آغاز قرارداد نباید نرخ تنزیل را بابت تغییر در نرخهای سود یا سایر شرایط (نظیر تغییر در ارزیابی ریسک اعتباری مشتری) به‌روزرسانی کند.

۶۶. واحد تجاری باید آثار تأمین مالی (درآمد مالی یا هزینه مالی) را جدا از درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتری در صورت سود و زیان ارائه کند. درآمد مالی یا هزینه مالی تنها تا میزانی شناسایی می‌شود که دارایی حاصل از قرارداد (یا دریافتی) یا بدهی ناشی از قرارداد، هنگام به حساب گرفتن قرارداد با مشتری، شناسایی شده باشد.

مابه‌ازای غیرنقدی

۶۷. برای تعیین قیمت معامله در قراردادهایی که مشتری مابه‌ازا را به صورت غیرنقد تعهد می‌کند، واحد تجاری باید مابه‌ازای غیرنقدی (یا تعهد مابه‌ازای غیرنقدی) را به ارزش منصفانه اندازه‌گیری کند.

۶۸. اگر واحد تجاری نتواند ارزش منصفانه مابه‌ازای غیرنقدی را بطور معقول برآورد کند، باید مابه‌ازا را بطور غیرمستقیم، با مراجعه به قیمت فروش مستقل کالاها یا خدمات تعهدشده به مشتری (یا طبقه مشتری) در ازای مابه‌ازای مذکور، اندازه‌گیری نماید.

۶۹. ارزش منصفانه مابه‌ازای غیرنقدی ممکن است به دلیل نوع مابه‌ازا تغییر کند (برای مثال، تغییر در قیمت سهمی که واحد تجاری نسبت به دریافت آن از مشتری محق است). اگر ارزش منصفانه مابه‌ازای غیرنقدی تعهدشده توسط مشتری، به دلایلی غیر از صرفاً نوع مابه‌ازا تغییر کند (برای مثال، ارزش منصفانه می‌تواند به دلیل عملکرد واحد تجاری تغییر یابد)، واحد تجاری باید الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۵۹ را بکار گیرد.

۷۰. اگر مشتری در تأمین کالاها یا خدمات (برای مثال، مواد اولیه، تجهیزات یا نیروی کار) برای تسهیل ایفای قرارداد توسط واحد تجاری، مشارکت کند، واحد تجاری باید ارزیابی کند آیا کنترل کالاها یا خدمات مزبور را به دست آورده است یا خیر. واحد تجاری باید در صورت کسب کنترل، این کالاها یا خدمات را به عنوان مابه‌ازای غیرنقدی دریافتی از مشتری در نظر گیرد.

مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری

۷۱. مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری شامل مبالغ نقدی است که واحد تجاری به مشتری (یا به اشخاص دیگری که کالاها یا خدمات واحد تجاری را از مشتری خریداری می‌کنند) پرداخت می‌کند یا انتظار دارد پرداخت کند. مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری، همچنین شامل اعتبار یا سایر اقلام (برای مثال، کوپن تخفیف) است که می‌تواند در مقابل مبلغ بدهی به واحد تجاری (یا به اشخاص دیگری که کالاها یا خدمات واحد تجاری را از مشتری خریداری می‌کنند) مورد استفاده قرار گیرد. واحد تجاری باید مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری را به عنوان کاهش قیمت معامله و بنابراین کاهش درآمد عملیاتی در نظر بگیرد، مگر اینکه پرداخت به مشتری در قبال کالا یا خدمت متمایزی (طبق توصیف بندهای ۲۷ تا ۳۱) باشد که مشتری به واحد تجاری منتقل می‌کند. اگر مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری در برادرنده مبلغی متغیر باشد، واحد تجاری باید طبق بندهای ۵۱ تا ۵۹، قیمت معامله را برآورد کند (شامل ارزیابی اینکه برآورد مابه‌ازای متغیر، محدود شده است یا خیر).

۷۲. اگر مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری، بابت کالا یا خدمت متمایزی باشد که مشتری به واحد تجاری منتقل می‌کند، واحد تجاری باید خرید کالا یا خدمت را به همان شیوه‌ای به حساب منظور کند که سایر خریدها از عرضه‌کنندگان را به حساب منظور می‌نماید. اگر مبلغ مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری از ارزش منصفانه کالا یا خدمت متمایزی که واحد تجاری از مشتری دریافت می‌کند بیشتر باشد، واحد تجاری باید این مبلغ مازاد را به عنوان کاهش قیمت معامله در نظر بگیرد. اگر واحد تجاری نتواند ارزش منصفانه کالا یا خدمت دریافتی از مشتری را بطور معقول برآورد کند، باید تمام مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری را به عنوان کاهش قیمت معامله به حساب بگیرد.

۷۳. بر همین اساس، اگر مابه‌ازای قابل پرداخت به مشتری، به عنوان کاهش قیمت معامله در نظر گرفته شود، واحد تجاری باید کاهش درآمد عملیاتی را در زمان (یا در طول زمان) وقوع یکی از رویدادهای زیر، هر کدام که دیرتر باشد، شناسایی کند:

الف. واحد تجاری بابت انتقال کالاها یا خدمات مرتبط به مشتری، درآمد عملیاتی شناسایی می‌کند؛ و

ب. واحد تجاری مابه‌ازا را پرداخت می‌کند یا متعهد به پرداخت مابه‌ازا می‌شود (حتی اگر پرداخت مشروط به رویداد آتی باشد). تعهد مذکور ممکن است بطور ضمنی از طریق رویه‌های مرسوم تجاری واحد تجاری الزامی شده باشد.

تخصیص قیمت معامله به تعهدات عملکردی

۷۴. هدف واحد تجاری هنگام تخصیص قیمت معامله این است که قیمت معامله را به هر تعهد عملکردی (یا کالا یا خدمت متمایز) به مبلغی تخصیص دهد که نشان‌دهنده مبلغ مابه‌ازایی باشد که واحد تجاری انتظار دارد در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهدشده به مشتری، نسبت به آن محق باشد.

۷۵. واحد تجاری برای دستیابی به هدف تخصیص، باید قیمت معامله را بر مبنای قیمت فروش مستقل نسبی طبق بندهای ۷۷ تا ۸۱، به استثنای موارد مشخص شده در بندهای ۸۲ تا ۸۴ (برای تخصیص تخفیفها) و بندهای ۸۵ تا ۸۷ (برای تخصیص مابه‌ازایی که شامل مبالغ متغیر است)، به هر تعهد عملکردی مشخص شده در قرارداد تخصیص دهد.

۷۶. اگر یک قرارداد، تنها یک تعهد عملکردی منفرد داشته باشد، بندهای ۷۷ تا ۸۷ کاربرد ندارد. با وجود این، اگر واحد تجاری متعهد باشد مجموعه‌ای از کالاها یا خدمات متمایز مشخص شده را طبق بند ۲۳ (ب) به عنوان یک تعهد عملکردی منفرد انتقال دهد و مابه‌ازای تعهدشده شامل مبالغ متغیر باشد، بندهای ۸۵ تا ۸۷ ممکن است کاربرد داشته باشد.

تخصیص بر مبنای قیمت‌های فروش مستقل

۷۷. واحد تجاری برای تخصیص قیمت معامله به هر تعهد عملکردی بر مبنای قیمت فروش مستقل نسبی، باید در آغاز قرارداد قیمت فروش مستقل کالا یا خدمت متمایزی که اساس هر تعهد عملکردی مندرج در قرارداد است را تعیین کند و قیمت معامله را متناسب با آن قیمت‌های فروش مستقل، تخصیص دهد.

۷۸. قیمت فروش مستقل، قیمتی است که واحد تجاری یک کالا یا خدمت تعهدشده را بطور جداگانه به آن قیمت به یک مشتری می‌فروشد. بهترین شواهد قیمت فروش مستقل، قیمت قابل مشاهده یک کالا یا خدمت در زمانی است که واحد تجاری، آن کالا یا خدمت را بطور جداگانه در شرایط مشابه و به مشتریان مشابه به فروش می‌رساند. قیمت ذکر شده در قرارداد یا قیمت مندرج در فهرست قیمتها برای یک کالا یا خدمت نیز ممکن است (اما نباید تصور شود که حتماً چنین است) قیمت فروش مستقل آن کالا یا خدمت محسوب شود.

۷۹. اگر قیمت فروش مستقل بطور مستقیم قابل مشاهده نباشد، واحد تجاری باید قیمت فروش مستقل را به مبلغی برآورد کند که موجب شود قیمت معامله به گونه‌ای تخصیص یابد که هدف تخصیص مندرج در بند ۷۴ احراز گردد. واحد تجاری هنگام برآورد قیمت فروش مستقل، باید تمام اطلاعاتی (شامل شرایط بازار، عوامل مختص واحد تجاری و اطلاعاتی درباره مشتری یا طبقه مشتری) که بطور معقول به آنها دسترسی دارد را در نظر بگیرد. به همین منظور، واحد تجاری باید استفاده از ورودیهای قابل مشاهده را حداکثر کند و در شرایط مشابه، روشهای برآورد را بطور یکنواخت بکار گیرد.

۸۰. روشهای مناسب برآورد قیمت فروش مستقل کالا یا خدمت شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نیست:

الف. **رویکرد ارزیابی بازار تعدیل‌شده** - واحد تجاری می‌تواند بازاری را که کالاها یا خدمات خود را در آن به فروش می‌رساند، ارزیابی کند و قیمتی که مشتری در آن بازار تمایل دارد در ازای کالاها یا خدمات مذکور پرداخت نماید را برآورد کند. همچنین، این رویکرد ممکن است شامل مراجعه به قیمت‌های به دست آمده از رقبای واحد تجاری برای کالاها یا خدمات مشابه و در صورت لزوم، تعدیل آن قیمت‌ها جهت انعکاس بهای تمام شده و حاشیه سود واحد تجاری باشد.

ب. **رویکرد بهای تمام شده مورد انتظار به اضافه حاشیه سود** - واحد تجاری می‌تواند بهای تمام شده مورد انتظار ایفای تعهد عملکردی را پیش‌بینی کند و سپس برای کالا یا خدمت مذکور، حاشیه سود مناسبی را اضافه نماید.

پ. **رویکرد باقیمانده** - واحد تجاری ممکن است قیمت فروش مستقل را با مراجعه به کل قیمت معامله پس از کسر مجموع قیمت‌های فروش مستقل قابل مشاهده سایر کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد، برآورد کند. با وجود این، واحد تجاری برای برآورد قیمت فروش مستقل یک کالا یا خدمت طبق بند ۷۸، تنها در صورت احراز یکی از شرایط زیر، ممکن است از رویکرد باقیمانده استفاده کند:

۱. واحد تجاری کالا یا خدمت یکسانی را به مشتریان مختلف (همزمان یا در زمانهای نزدیک به هم) در دامنه گسترده‌ای از مبالغ به فروش برساند (یعنی قیمت فروش بسیار متغیر است زیرا یک قیمت فروش مستقل معرف، بر اساس معاملات گذشته یا سایر شواهد قابل مشاهده، قابل تشخیص نیست)؛ یا
۲. واحد تجاری هنوز قیمتی را برای کالا یا خدمت مذکور تعیین نکرده باشد و آن کالا یا خدمت، قبلاً بطور مستقل به فروش نرسیده باشد (یعنی قیمت فروش نامشخص است).

۸۱. اگر قیمت فروش مستقل دو یا چند کالا یا خدمت از کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد، بسیار متغیر یا نامشخص باشد، ممکن است برای برآورد قیمت فروش مستقل آن کالاها یا خدمات، ترکیبی از روشها مورد نیاز باشد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است برای برآورد قیمت فروش مستقل تجمیعی کالاها یا خدمات تعهدشده‌ای که قیمت فروش مستقل بسیار متغیر یا نامشخص دارند، از رویکرد باقیمانده استفاده کند و سپس، روش دیگری را برای برآورد قیمت فروش مستقل هر یک از کالاها یا خدمات، متناسب با قیمت فروش مستقل تجمیعی برآوردشده با استفاده از رویکرد باقیمانده، بکار گیرد. هنگامی که واحد تجاری ترکیبی از روشها را برای برآورد قیمت فروش مستقل کالا یا خدمت تعهدشده در قرارداد مورد استفاده قرار می‌دهد، باید ارزیابی کند که آیا تخصیص قیمت معامله با استفاده از آن قیمت‌های فروش مستقل برآوردی، با هدف تخصیص مندرج در بند ۷۴ و الزامات برآورد قیمت‌های فروش مستقل در بند ۷۹، سازگار است یا خیر.

تخصیص تخفیف

۸۲. در صورتی که جمع قیمت‌های فروش مستقل بسته‌ای از کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد بیشتر از مابه‌ازای تعهدشده در قرارداد باشد، مشتری بابت خرید آن بسته از کالاها یا خدمات، تخفیف دریافت می‌کند. به استثنای زمانی که واحد تجاری شواهد قابل مشاهده‌ای طبق بند ۸۳ دارد که نشان می‌دهد کل مبلغ تخفیف، تنها با یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد، نه تمام آنها،

مرتبط است، واحد تجاری باید تخفیف را به تناسب به تمام تعهدات عملکردی تخصیص دهد. تخصیص متناسب تخفیف در شرایط مذکور، نتیجه تخصیص قیمت معامله توسط واحد تجاری به هر تعهد عملکردی، بر مبنای قیمت‌های فروش مستقل نسبی کالاها یا خدمات متمایزی است که اساس هر تعهد عملکردی را تشکیل می‌دهد.

۸۳. واحد تجاری باید در صورت احراز تمام معیارهای زیر، کل تخفیف را به یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد، نه به تمام آنها، تخصیص دهد:

الف. واحد تجاری، بطور معمول هر کالا یا خدمت متمایز (یا هر بسته از کالاها یا خدمات متمایز) مندرج در قرارداد را به صورت مستقل بفروشد؛

ب. واحد تجاری، همچنین بطور معمول یک بسته (یا بسته‌هایی) از برخی از آن کالاها یا خدمات متمایز را با تخفیف نسبت به قیمت‌های فروش مستقل کالاها یا خدمات موجود در هر مجموعه، به صورت مستقل بفروشد؛ و

پ. تخفیف قابل انتساب به هر بسته از کالاها یا خدمات توصیف شده در بند ۸۳(ب)، تقریباً با کل تخفیف مندرج در قرارداد یکسان باشد و تجزیه و تحلیل کالاها یا خدمات موجود در هر بسته، شواهدی قابل مشاهده از تعهد عملکردی (یا تعهدات عملکردی) که کل تخفیف قرارداد به آن تعلق دارد، فراهم کند.

۸۴. اگر طبق بند ۸۳، کل تخفیف به یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد تخصیص داده شود، واحد تجاری باید تخفیف را قبل از بکارگیری رویکرد باقیمانده برای برآورد قیمت فروش مستقل یک کالا یا خدمت طبق بند ۸۰(پ)، تخصیص دهد.

تخصیص مابه‌ازای متغیر

۸۵. مابه‌ازای متغیر تعهدشده در قرارداد، ممکن است به کل قرارداد یا به بخش معینی از قرارداد، مانند هر یک از موارد زیر، قابل انتساب باشد:

الف. یک یا چند تعهد عملکردی مندرج در قرارداد، نه تمام آنها (برای مثال، پاداش ممکن است مشروط به انتقال یک کالا یا خدمت تعهدشده توسط واحد تجاری در یک دوره زمانی خاص باشد)؛ یا

ب. یک یا چند کالا یا خدمت متمایز تعهدشده در مجموعه‌ای از کالاها یا خدمات متمایز، اما نه تمام آنها، که طبق بند ۲۳(ب) بخشی از یک تعهد عملکردی منفرد را تشکیل می‌دهد (برای مثال، مابه‌ازای تعهدشده بابت دومین سال یک قرارداد دو ساله ارائه خدمات نظافت، که بر مبنای تغییر در شاخص تورم، افزایش خواهد یافت).

۸۶. واحد تجاری، در صورت احراز هر دو معیار زیر، باید کل مبلغ متغیر (و تغییرات بعدی در آن مبلغ) را به یک تعهد عملکردی یا به یک کالا یا خدمت متمایز که بخشی از یک تعهد عملکردی منفرد طبق بند ۲۳(ب) را تشکیل می‌دهد، تخصیص دهد:

الف. شرایط پرداخت متغیر، بطور مشخص به تلاش واحد تجاری برای ایفاء تعهد عملکردی یا انتقال کالا یا خدمت متمایز (یا نتیجه مشخص حاصل از ایفاء تعهد عملکردی یا انتقال کالا یا خدمت متمایز) مرتبط باشد؛ و

ب. هنگام در نظر گرفتن تمام تعهدات عملکردی و شرایط پرداخت موجود در قرارداد، تخصیص کل مبلغ متغیر مابه‌ازا به یک تعهد عملکردی یا یک کالا یا خدمت متمایز، با هدف تخصیص مندرج در بند ۷۴ سازگار باشد.

۸۷. برای تخصیص مبلغ باقیمانده قیمت معامله که معیارهای مندرج در بند ۸۶ را احراز نمی‌کند، باید الزامات تخصیص مندرج در بندهای ۷۴ تا ۸۴ بکار گرفته شود.

تغییر در قیمت معامله

۸۸. قیمت معامله می‌تواند پس از آغاز قرارداد به دلایل مختلفی تغییر کند؛ مانند حل و فصل رویدادهای غیرقطعی یا سایر تغییرات در شرایط که موجب تغییر در مبلغ مابه‌ازایی می‌شود که واحد تجاری انتظار دارد در قبال کالاها یا خدمات تعهدشده، نسبت به آن محقق باشد.

۸۹. واحد تجاری باید هر گونه تغییر بعدی در قیمت معامله را بر مبنای تخصیص یکسان با مبنای زمان آغاز قرارداد، به تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد تخصیص دهد. در نتیجه، واحد تجاری نباید قیمت معامله را برای انعکاس تغییر در قیمت‌های فروش مستقل پس از آغاز قرارداد، مجدداً تخصیص دهد. مبالغ تخصیص یافته به یک تعهد عملکردی ایفاشده، باید در دوره‌ای که قیمت معامله تغییر می‌کند، به عنوان درآمد عملیاتی یا کاهش درآمد عملیاتی شناسایی شود.

۹۰. واحد تجاری، تنها در صورت احراز معیارهای مندرج در بند ۸۶ در ارتباط با تخصیص مابه‌ازای متغیر، باید تغییر در قیمت معامله را بطور کامل به یک یا چند کالا یا خدمت متمایز تعهدشده در مجموعه‌ای از کالاها یا خدمات متمایز، اما نه به تمام آنها، که طبق بند ۲۳(ب) بخشی از یک تعهد عملکردی منفرد را تشکیل می‌دهد، تخصیص دهد.
۹۱. واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را که ناشی از تعدیل قرارداد است، طبق بندهای ۱۹ تا ۲۲ به حساب منظور کند. با وجود این، برای تغییر در قیمت معامله که پس از تعدیل قرارداد ایجاد می‌شود، واحد تجاری باید بندهای ۸۸ تا ۹۰ را به منظور تخصیص تغییر در قیمت معامله، به یکی از شیوه‌های زیر، هر کدام که کاربرد داشته باشد، بکار گیرد:
- الف. واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را در صورتی، و به میزانی، به تعهدات عملکردی مشخص شده در قرارداد قبل از تعدیل تخصیص دهد که تغییر در قیمت معامله، به مبلغ مابه‌ازای متغیر تعهدشده قبل از تعدیل، قابل انتساب باشد و تعدیل قرارداد، طبق بند ۲۲(الف) به حساب منظور شود.
- ب. در تمام موارد دیگر که تعدیل قرارداد طبق بند ۲۱ به عنوان قراردادی جداگانه در نظر گرفته نمی‌شود، واحد تجاری باید تغییر در قیمت معامله را به تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد تعدیل شده (یعنی تعهدات عملکردی که بلافاصله پس از تعدیل قرارداد، ایفا نشده‌اند یا بخشی از آنها ایفا نشده است) تخصیص دهد.

مخارج قرارداد

مخارج مختص دستیابی به قرارداد

۹۲. چنانچه واحد تجاری انتظار داشته باشد مخارج مختص دستیابی به قرارداد با مشتری را بازیافت کند، باید این مخارج را به عنوان دارایی شناسایی نماید.
۹۳. مخارج مختص دستیابی به قرارداد، به مخارجی اطلاق می‌شود که واحد تجاری بابت دستیابی به قرارداد با مشتری تحمل می‌کند و اگر قرارداد به دست نمی‌آید، این مخارج تحمل نمی‌شد (برای مثال، کمیسیون فروش).
۹۴. مخارج دستیابی به قرارداد که صرف نظر از اینکه قرارداد به دست آید یا خیر، تحمل می‌شود، باید در زمان وقوع به عنوان هزینه شناسایی گردد، مگر اینکه مخارج مذکور، صرف نظر از دستیابی به قرارداد، قابل احتساب به حساب مشتری باشد.
۹۵. به عنوان یک اقتضای عملی، واحد تجاری می‌تواند مخارج مختص دستیابی به قرارداد را در زمان وقوع به عنوان هزینه شناسایی کند، مشروط بر اینکه دوره استهلاك دارایی که واحد تجاری در صورت عدم بکارگیری این اقتضای عملی شناسایی می‌کرد، یک سال یا کمتر باشد.

مخارج ایفای قرارداد

۹۶. اگر مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری، در دامنه کاربرد استاندارد دیگری (برای مثال، استاندارد حسابداری ۸ حسابداری موجودی مواد و کالا، استاندارد حسابداری ۱۱ داراییهای ثابت مشهود یا استاندارد حسابداری ۱۷ داراییهای نامشهود) قرار نگیرد، واحد تجاری تنها در صورتی باید مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد را به عنوان دارایی شناسایی کند که مخارج مذکور تمام معیارهای زیر را احراز نماید:
- الف. مخارج مزبور بطور مستقیم به یک قرارداد یا یک قرارداد مورد انتظار که واحد تجاری می‌تواند آن را بطور خاص تشخیص دهد، مرتبط باشد (برای مثال، مخارج مرتبط با خدماتی که به دلیل تمديد قرارداد موجود باید ارائه شود یا مخارج طراحی یک دارایی که قرار است طبق قراردادی مشخص که هنوز تأیید نشده است، انتقال یابد)؛
- ب. مخارج مزبور، منابع واحد تجاری را که برای ایفای (یا تداوم ایفای) تعهدات عملکردی در آینده استفاده خواهد شد، افزایش دهد یا منابع جدیدی ایجاد کند؛ و
- پ. انتظار رود مخارج مزبور بازیافت شود.
۹۷. در خصوص مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری که در دامنه کاربرد استاندارد دیگری قرار می‌گیرد، واحد تجاری باید این مخارج را طبق آن استانداردها به حساب منظور کند.
۹۸. مخارجی که بطور مستقیم به قرارداد (یا قرارداد مورد انتظار مشخص) مربوط می‌شود، شامل هر یک از موارد زیر است:
- الف. دستمزد مستقیم (برای مثال، حقوق و دستمزد کارکنانی که خدمات تعهدشده را بطور مستقیم به مشتری ارائه می‌کنند)؛
- ب. مواد مستقیم (برای مثال، مواد و ملزومات مصرف شده برای ارائه خدمات تعهدشده به مشتری)؛

- پ. بطور مستقیم به قرارداد یا فعالیتهای قرارداد مربوط است (برای مثال، مخارج مدیریت و نظارت بر قرارداد، بیمه و استهلاک ابزارآلات، تجهیزات و داراییهای اجاره‌ای مورد استفاده برای ایفای قرارداد)؛
- ت. مخارجی که طبق قرارداد، قابل احتساب به حساب مشتری است؛ و
- ث. سایر مخارجی که تنها به دلیل وارد کردن یک شخص دیگر به قرارداد، تحمل می‌شود (برای مثال، پرداخت به پیمانکاران دست دوم).

۹۹. واحد تجاری باید مخارج زیر را در زمان وقوع، به عنوان هزینه شناسایی کند:
- الف. مخارج عمومی و اداری (به استثنای مخارجی که طبق قرارداد قابل احتساب به حساب مشتری است، که در این مورد واحد تجاری باید مخارج مذکور را طبق بند ۹۸ ارزیابی کند)؛
- ب. مخارج هدررفت مواد اولیه، نیروی کار یا سایر منابع به منظور ایفای قرارداد که در قیمت قرارداد منعکس نشده است؛
- پ. مخارجی که به تعهدات عملکردی ایفا شده مندرج در قرارداد (یا تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد که بخشی از آن ایفا شده است) مرتبط می‌باشد (یعنی مخارج مرتبط با عملکرد گذشته)؛ و
- ت. مخارجی که واحد تجاری نمی‌تواند تشخیص دهد مرتبط با تعهدات عملکردی ایفا نشده است یا مرتبط با تعهدات عملکردی ایفا شده (یا تعهدات عملکردی که بخشی از آن ایفا شده است).

استهلاک و کاهش ارزش

۱۰۰. دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶، باید بر مبنایی منظم که سازگار با انتقال کالاها یا خدمات به مشتری است و دارایی مزبور به آن کالاها یا خدمات مربوط می‌شود، مستهلک گردد. دارایی ممکن است مرتبط با کالاها یا خدماتی باشد که قرار است طبق یک قرارداد مورد انتظار مشخص (طبق توصیف بند ۹۶ الف)) انتقال یابد.
۱۰۱. چنانچه تغییر عمده‌ای در زمانبندی مورد انتظار واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری که دارایی به آن کالاها یا خدمات مربوط می‌شود واقع گردد، واحد تجاری باید برای انعکاس این تغییر استهلاک را به‌روزآوری کند. چنین تغییری باید طبق استاندارد حسابداری ۳۴، به عنوان تغییر در برآورد حسابداری در نظر گرفته شود.
۱۰۲. واحد تجاری باید به میزان مازاد مبلغ دفتری دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶ نسبت به تفاوت الف و ب زیر، زیان کاهش ارزش در سود یا زیان دوره شناسایی کند:
- الف. مبلغ مابه‌ازای باقیمانده‌ای که واحد تجاری انتظار دارد در قبال کالاها یا خدماتی که دارایی به آنها مرتبط است دریافت کند؛
- ب. مخارجی که بطور مستقیم به ارائه کالاها یا خدمات مذکور مرتبط است و به عنوان هزینه شناسایی نشده است (به بند ۹۸ مراجعه شود).
۱۰۳. برای مقاصد بکارگیری بند ۱۰۲، به منظور تعیین مبلغ مابه‌ازایی که واحد تجاری انتظار دارد دریافت کند، واحد تجاری باید الزامات تعیین قیمت معامله (به استثنای الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۵۹ در ارتباط با محدود کردن برآوردهای مابه‌ازای متغیر) را استفاده کند و مبلغ مذکور را جهت انعکاس آثار ریسک اعتباری مشتری تعدیل نماید.
۱۰۴. قبل از اینکه واحد تجاری برای دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶، زیان کاهش ارزش شناسایی کند، باید برای داراییهای مرتبط با قرارداد که طبق سایر استانداردها (برای مثال استاندارد حسابداری ۸، استاندارد حسابداری ۱۱ و استاندارد حسابداری ۱۷) شناسایی می‌شوند، زیان کاهش ارزش را شناسایی کند. پس از بکارگیری آزمون کاهش ارزش مندرج در بند ۱۰۲، واحد تجاری باید مبلغ دفتری حاصل برای دارایی شناسایی شده طبق بند ۹۲ یا ۹۶ را در مبلغ دفتری واحد مولد نقدی منظور کند که برای مقاصد بکارگیری استاندارد حسابداری ۳۲ کاهش ارزش داراییها، دارایی به آن تعلق دارد.
۱۰۵. چنانچه شرایط کاهش ارزش، دیگر وجود نداشته باشد یا بهبود یافته باشد، واحد تجاری باید برگشت تمام یا بخشی از زیان کاهش ارزش که قبلاً طبق بند ۱۰۲ شناسایی شده است را در سود یا زیان دوره شناسایی کند. افزایش در مبلغ دفتری دارایی نباید بیشتر از مبلغی باشد که در صورت عدم شناسایی زیان کاهش ارزش در گذشته، دارایی به آن مبلغ (به کسر استهلاک) تعیین می‌شد.

نحوه ارائه

۱۰۶. در صورتی که یکی از طرفهای قرارداد، تعهد خود را ایفا کرده باشد، واحد تجاری باید با توجه به رابطه بین عملکرد واحد تجاری و پرداخت مشتری، دارایی حاصل از قرارداد یا بدهی ناشی از قرارداد را در صورت وضعیت مالی ارائه کند. واحد تجاری باید حق غیرمشروط نسبت به مابه‌ازا را بطور جداگانه به عنوان دریافتنی ارائه نماید.
۱۰۷. اگر قبل از انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، مشتری تمام یا بخشی از مابه‌ازا را پردازد واحد تجاری باید در زمان پرداخت بدهی ناشی از قرارداد را شناسایی کند. بدهی ناشی از قرارداد، تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری است که واحد تجاری، بابت آن از مشتری مابه‌ازا دریافت کرده است.
۱۰۸. اگر واحد تجاری قبل از پرداخت مابه‌ازا توسط مشتری، کالاها یا خدمات را به مشتری انتقال دهد، باید دارایی حاصل از قرارداد را جدا از مبالغ ارائه‌شده به عنوان دریافتنی ارائه نماید. دارایی حاصل از قرارداد، حق واحد تجاری نسبت به مابه‌ازا در قبال کالاها یا خدماتی است که واحد تجاری به مشتری انتقال داده است. واحد تجاری باید دارایی حاصل از قرارداد را بابت کاهش ارزش ارزیابی کند (به بند ۱۱۴(ب) نیز مراجعه شود).
۱۰۹. دریافتنی، حق غیرمشروط واحد تجاری نسبت به مابه‌ازا است. حق نسبت به مابه‌ازا، در صورتی غیرمشروط است که تنها گذشت زمان منجر به سررسید شدن پرداخت مابه‌ازا شود. برای مثال، واحد تجاری در صورتی یک دریافتنی شناسایی می‌کند که حق فعلی نسبت به دریافت یک مبلغ داشته باشد، حتی اگر امکان استرداد آن مبلغ در آینده وجود داشته باشد.
۱۱۰. این استاندارد از اصطلاحات "دارایی حاصل از قرارداد" و "بدهی ناشی از قرارداد" استفاده می‌کند، اما مانع استفاده واحد تجاری از معادل‌های جایگزین برای اقلام مذکور در صورت وضعیت مالی نمی‌شود. اگر واحد تجاری از یک معادل جایگزین برای دارایی ناشی از قرارداد استفاده کند، باید اطلاعات کافی برای استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی فراهم نماید تا آنها بتوانند بین دریافتنی‌ها و داراییهای حاصل از قرارداد تمایز قائل شوند.

افشا

۱۱۱. هدف الزامات افشا این است که واحد تجاری، اطلاعات کافی افشا کند تا استفاده‌کنندگان صورتهای مالی بتوانند ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان درآمد عملیاتی و جریانهای نقدی حاصل از قرارداد با مشتری را درک کنند. برای دستیابی به هدف مذکور، واحد تجاری باید اطلاعات کمی و کیفی درباره تمام موارد زیر را افشا کند:
- الف. قراردادهای واحد تجاری با مشتریان (به بندهای ۱۱۴ تا ۱۲۳ مراجعه شود)؛
- ب. قضاوت‌های عمده صورت گرفته در بکارگیری این استاندارد برای قراردادهای مذکور و تغییر در آن قضاوتها (به بندهای ۱۲۴ تا ۱۲۷ مراجعه شود)؛ و
- پ. هرگونه دارایی شناسایی‌شده حاصل از مخارج دستیابی به قرارداد یا حاصل از ایفای قرارداد با مشتری طبق بند ۹۲ یا ۹۶(ب) به بندهای ۱۲۸ و ۱۲۹ مراجعه شود).
۱۱۲. واحد تجاری باید سطح جزئیات مورد نیاز برای دستیابی به هدف افشا و میزان تأکید بر هر یک از الزامات مختلف را مورد توجه قرار دهد. واحد تجاری باید موارد افشا را به گونه‌ای تجمیع یا تفکیک کند که اطلاعات مفید، به دلیل افشای حجم زیادی از جزئیات بی‌اهمیت یا تجمیع اقلامی که اساساً ویژگیهای متفاوتی دارند، پنهان نماند.
۱۱۳. چنانچه واحد تجاری اطلاعاتی را طبق استاندارد دیگری افشا کرده باشد، ضرورتی ندارد آن اطلاعات را طبق این استاندارد افشا کند.

قرارداد با مشتریان

۱۱۴. واحد تجاری باید تمام مبالغ زیر را برای دوره گزارشگری افشا کند، مگر اینکه مبالغ مذکور طبق سایر استانداردها بطور جداگانه در صورت سود و زیان ارائه شده باشد:
- الف. درآمد عملیاتی شناسایی‌شده حاصل از قرارداد با مشتریان، که واحد تجاری باید آن را جدا از سایر منابع درآمد عملیاتی افشا کند؛ و
- ب. زیان کاهش ارزش شناسایی‌شده در ارتباط با دریافتنی‌ها یا داراییهای حاصل از قرارداد با مشتریان، که واحد تجاری باید آن را جدا از زیانهای کاهش ارزش سایر قراردادهای افشا کند.

تفکیک درآمد عملیاتی

۱۱۵. واحد تجاری باید درآمد عملیاتی شناسایی‌شده حاصل از قرارداد با مشتریان را به طبقاتی تفکیک کند که نحوه تأثیرپذیری ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان درآمد عملیاتی و جریانهای نقدی از عوامل اقتصادی را نشان دهد. واحد تجاری هنگام انتخاب طبقات مورد استفاده برای تفکیک درآمد عملیاتی، باید رهنمود مندرج در بندهای ۹۳ تا ۹۵ را بکار گیرد.

۱۱۶. افزون بر این، اگر واحد تجاری استاندارد حسابداری ۲۵ گزارشگری بر مسبب قسمتهای مختلف را بکار گیرد، باید اطلاعات کافی افشا کند تا استفاده کنندگان صورتهای مالی بتوانند رابطه بین افشای درآمد عملیاتی تفکیک شده (طبق بند ۱۱۵) و اطلاعات درآمد عملیاتی افشاشده برای هر قسمت قابل گزارش را درک کنند.

مانده حسابهای قرارداد

۱۱۷. واحد تجاری باید تمام موارد زیر را افشا کند:
- الف. مانده ابتدای دوره و پایان دوره دریافتی‌ها، داراییهای حاصل از قرارداد با مشتریان و بدهیهای ناشی از قرارداد با مشتریان، چنانچه به گونه‌ای دیگر بطور جداگانه ارائه یا افشا نشده باشند؛
- ب. درآمد عملیاتی شناسایی شده در دوره گزارشگری که در مانده بدهی ناشی از قرارداد در ابتدای دوره منظور شده است؛ و
- پ. درآمد عملیاتی شناسایی شده در دوره گزارشگری که از ایفای تعهدات عملکردی (یا ایفای بخشی از تعهدات عملکردی) در دوره‌های قبل حاصل شده است (برای مثال، تغییر در قیمت معامله).
۱۱۸. واحد تجاری باید نحوه ارتباط زمانبندی ایفای تعهدات عملکردی (به بند ۱۱۹ الف) مراجعه شود) با زمانبندی معمول پرداخت (به بند ۱۲۰ ب) مراجعه شود) و اثر این عوامل بر مانده داراییهای حاصل از قرارداد و بدهیهای ناشی از قرارداد را شرح دهد. در شرح ارائه شده ممکن است از اطلاعات کیفی استفاده شود.
۱۱۹. واحد تجاری باید شرحی از تغییرات عمده در مانده داراییهای حاصل از قرارداد و بدهیهای ناشی از قرارداد طی دوره گزارشگری را ارائه کند. این شرح باید شامل اطلاعات کمی و کیفی باشد. نمونه‌هایی از تغییر در مانده داراییهای حاصل از قرارداد و بدهیهای ناشی از قرارداد واحد تجاری، شامل موارد زیر است:
- الف. تغییر به دلیل ترکیبهای تجاری؛
- ب. تعدیل درآمد عملیاتی بر مبنای آثار انباشته تغییرات که بر دارایی متناظر حاصل از قرارداد یا بدهی متناظر ناشی از قرارداد تأثیر می‌گذارد، شامل تعدیل ناشی از تغییر در میزان پیشرفت، تغییر در برآورد قیمت معامله (شامل تغییر در ارزیابی اینکه برآورد مابه‌ازای متغیر، محدود شده است یا خیر) یا تعدیل قرارداد؛
- پ. کاهش ارزش دارایی ناشی از قرارداد؛
- ت. تغییر در چارچوب زمانی حق نسبت به مابه‌ازا برای غیرمشروط شدن آن (یعنی برای تجدید طبقه‌بندی دارایی حاصل از قرارداد به دریافتی)؛ و
- ث. تغییر در چارچوب زمانی تعهد عملکردی که باید ایفا شود (یعنی برای شناسایی درآمد عملیاتی حاصل از بدهی ناشی از قرارداد).

تعهدات عملکردی

۱۲۰. واحد تجاری باید اطلاعاتی درباره تعهدات عملکردی خود در قرارداد با مشتریان، که شامل شرح تمام موارد زیر است را افشا کند:
- الف. اینکه واحد تجاری بطور معمول تعهدات عملکردی خود را در چه زمانی ایفا می‌کند (برای مثال، زمان بارگیری، زمان تحویل، در طول زمان ارائه خدمات یا در زمان تکمیل خدمت)، شامل زمان ایفای تعهدات عملکردی در توافقیهای فروش و نگهداری؛
- ب. شرایط مهم پرداخت (برای مثال، زمانی که پرداخت بطور معمول سررسید می‌شود، قرارداد جزء تأمین مالی بااهمیت دارد یا خیر، مبلغ مابه‌ازا متغیر است یا خیر و آیا برآورد مابه‌ازای متغیر، طبق بندهای ۵۷ تا ۵۹، بطور معمول محدود شده است یا خیر)؛
- پ. ماهیت کالاها یا خدماتی که واحد تجاری متعهد به انتقال آنها است، با تأکید بر تعهدات عملکردی برای فراهم کردن بستر انتقال کالاها یا خدمات به مشتری برای شخصی دیگر (یعنی اگر واحد تجاری به عنوان نماینده عمل می‌کند)؛
- ت. تعهدات در قبال برگشت کالا، استرداد وجوه و سایر تعهدات مشابه؛ و
- ث. انواع ضمانتها و تعهدات مرتبط.

قیمت معامله تخصیص یافته به تعهدات عملکردی باقیمانده

۱۲۱. واحد تجاری باید اطلاعات زیر را درباره تعهدات عملکردی باقیمانده خود افشا کند:
- الف. مجموع قیمت معامله تخصیص یافته به تعهدات عملکردی که در پایان دوره گزارشگری ایفا نشده است (یا بخشی از آنها ایفا شده است)؛ و
- ب. شرحی به یکی از شیوه‌های زیر در مورد زمانی که واحد تجاری انتظار دارد مبلغ افشاشده طبق بند ۱۲۱ الف) را به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند:

۱. بر مبنای کمی با استفاده از مناسب‌ترین بازه‌های زمانی برای مدت زمان تعهدات عملکردی باقیمانده؛ یا
 ۲. با استفاده از اطلاعات کیفی.
۱۲۲. به عنوان یک اقتضای عملی، در صورت احراز هر یک از شرایط زیر، واحد تجاری الزامی برای افشای اطلاعات مندرج در بند ۱۲۱ درباره یک تعهد عملکردی ندارد:
- الف. تعهد عملکردی بخشی از قراردادی باشد که مدت زمان اولیه مورد انتظار آن یکسال یا کمتر است؛ یا
 - ب. واحد تجاری درآمد عملیاتی حاصل از ایفای تعهد عملکردی را طبق بند ب۱۶ شناسایی کند.
۱۲۳. واحد تجاری باید به صورت کیفی توضیح دهد که آیا اقتضای عملی مندرج در بند ۱۲۲ را بکار گرفته است و آیا مابه‌ازای حاصل از قرارداد با مشتریان وجود دارد که در قیمت معامله منظور نشده باشد و، بنابراین، در اطلاعات افشا شده طبق بند ۱۲۱ درج نشده باشد یا خیر. برای مثال، برآورد قیمت معامله شامل مبالغ برآوردی مابه‌ازای متغیر محدود شده، نباشد (به بندهای ۵۷ تا ۵۹ مراجعه شود).

قضاوت‌های عمده صورت گرفته در بکارگیری این استاندارد

۱۲۴. واحد تجاری باید قضاوت‌های صورت گرفته در بکارگیری این استاندارد و تغییر در آن قضاوت‌ها که بطور عمده بر تعیین مبلغ و زمانبندی درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان تأثیر می‌گذارد را افشا کند. بطور خاص، واحد تجاری باید قضاوت‌های استفاده شده برای تعیین دو مورد زیر و تغییر در آن قضاوت‌ها را شرح دهد:
- الف. زمانبندی ایفای تعهدات عملکردی (به بندهای ۱۲۵ و ۱۲۶ مراجعه شود)؛ و
 - ب. قیمت معامله و مبالغ تخصیص یافته به تعهدات عملکردی (به بند ۱۲۷ مراجعه شود).

تعیین زمانبندی ایفای تعهدات عملکردی

۱۲۵. در ارتباط با تعهدات عملکردی ایفا شده در طول زمان، واحد تجاری باید هر دو مورد زیر را افشا کند:
- الف. روش‌های استفاده شده برای شناسایی درآمد عملیاتی (برای مثال، شرحی از روش‌های مبتنی بر خروجی یا مبتنی بر ورودی استفاده شده و نحوه بکارگیری این روش‌ها)؛ و
 - ب. شرح اینکه چرا روش‌های استفاده شده، بیان صادقانه‌ای از انتقال کالاها یا خدمات فراهم می‌کند.
۱۲۶. در ارتباط با تعهدات عملکردی ایفا شده در نقطه‌ای از زمان، واحد تجاری باید قضاوت‌های عمده صورت گرفته برای ارزیابی زمان دستیابی مشتری به کنترل کالاها یا خدمات تعهد شده را افشا کند.

تعیین قیمت معامله و مبالغ تخصیص یافته به تعهدات عملکردی

۱۲۷. واحد تجاری باید اطلاعاتی درباره روش‌ها، ورودی‌ها و مفروضات استفاده شده برای تمام موارد زیر را افشا کند:
- الف. تعیین قیمت معامله، که شامل برآورد مابه‌ازای متغیر، تعدیل مابه‌ازا بابت آثار ارزش زمانی پول و اندازه‌گیری مابه‌ازای غیرنقدی است، اما محدود به این موارد نیست؛
 - ب. ارزیابی اینکه برآورد مابه‌ازای متغیر، محدود شده است یا خیر؛
 - پ. تخصیص قیمت معامله، شامل برآورد قیمت‌های فروش مستقل کالاها یا خدمات تعهد شده و تخصیص تخفیفات و مابه‌ازای متغیر به بخش معینی از قرارداد (در صورت وجود)؛ و
 - ت. اندازه‌گیری تعهدات بابت برگشت کالا، استرداد وجوه و سایر تعهدات مشابه.

دارایی‌های شناسایی شده حاصل از مخارج دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج ایفای قرارداد با مشتری

۱۲۸. واحد تجاری باید هر دو مورد زیر را شرح دهد:
- الف. قضاوت‌های صورت گرفته برای تعیین مبلغ مخارج تحمل شده برای دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج ایفای قرارداد با مشتری (طبق بند ۹۲ یا ۹۶)؛ و
 - ب. روش مورد استفاده برای تعیین استهلاک برای هر دوره گزارشگری.
۱۲۹. واحد تجاری باید تمام موارد زیر را افشا کند:

الف. مانده پایان دوره داراییهای شناسایی شده حاصل از مخارج تحمل شده برای دستیابی به قرارداد با مشتری یا مخارج تحمل شده برای ایفای قرارداد با مشتری (طبق بند ۹۲ یا ۹۶)، بر اساس طبقه اصلی دارایی (برای مثال، مخارج دستیابی به قرارداد با مشتریان، مخارج قبل از قرارداد و مخارج تنظیم قرارداد)؛ و

ب. مبلغ استهلاک و زیان کاهش ارزش شناسایی شده در دوره گزارشگری.

اقتضای عملی

۱۳۰. چنانچه واحد تجاری تصمیم بگیرد از اقتضای عملی مندرج در بند ۶۴ (درباره وجود جزء تأمین مالی بااهمیت) یا بند ۹۵ (درباره مخارج مختص دستیابی به قرارداد) استفاده کند، باید این موضوع را افشا نماید.

کنارگذاری سایر استانداردها

- این استاندارد جایگزین استانداردهای زیر می شود:
- الف. استاندارد حسابداری ۳ درآمد عملیاتی؛
- ب. استاندارد حسابداری ۹ حسابداری پیمانهای بلندمدت؛
- پ. استاندارد حسابداری ۲۹ فعالیت های ساخت املاک.

تاریخ اجرا

الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۴۰۴/۱/۱ و بعد از آن شروع می شود، لازم الاجراست.

۱۳۳. استاندارد حسابداری ۴۳، تصویب شده ۱۴۰۲، منجر به اصلاحاتی در استانداردهای حسابداری ۱ ارائه صورتهای مالی، ۴ ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی، ۸ حسابداری موجودی مواد و کالا، ۱۱ داراییهای ثابت مشهود، ۱۷ داراییهای نامشهود، ۲۲ گزارشگری مالی میان دوره ای، ۳۲ کاهش ارزش داراییها، ۳۵ مالیات بر درآمد، ۳۶ ابزارهای مالی: ارائه، ۳۷ ابزارهای مالی: افشا و ۳۸ ترکیبهای تجاری شد.

مطابقت با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی

۱۳۴. با اجرای الزامات این استاندارد به جز بند ۱۰۷، مفاد استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۱۵ درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان (ویرایش ۲۰۱۸) نیز رعایت می شود. طبق استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۱۵، اگر قبل از انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، مشتری مابه ازای را پردازد یا واحد تجاری نسبت به مبلغی از مابه ازای، حق غیرمشروط (یعنی دریافتی) داشته باشد، واحد تجاری باید در زمان پرداخت یا در زمان سررسید پرداخت (هر کدام که زودتر باشد)، بدهی ناشی از قرارداد را ارائه کند.

پیوست الف

اصطلاحات تعریف شده

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد است.

بدهی ناشی از قرارداد

تعهد واحد تجاری برای انتقال کالاها یا خدمات به مشتری، که واحد تجاری بابت آن از مشتری مابه‌ازا دریافت کرده است (از جمله پیش‌دریافت یا مازاد کار گواهی‌شده).

تعهد عملکردی

تعهد در قرارداد با مشتری برای انتقال هر یک از موارد زیر به مشتری:

الف. یک کالا یا خدمت (یا بسته‌ای از کالاها و خدمات) که متمایز است؛ یا

ب. یک مجموعه از کالاها یا خدمات متمایز که تا حد زیادی یکسان هستند و الگوی انتقال آنها به مشتری یکسان است.

دارایی حاصل از قرارداد

حق واحد تجاری نسبت به مابه‌ازا در قبال کالاها یا خدماتی است که واحد تجاری به مشتری انتقال داده است، هنگامی که آن حق، مشروط به چیزی غیر از گذشت زمان (برای مثال، عملکرد آتی واحد تجاری) باشد (از جمله مبلغ قابل بازافت).

درآمد

افزایش در منافع اقتصادی طی دوره حسابداری به شکل جریانهای ورودی یا افزایش داراییها یا کاهش بدهیها که منجر به افزایش در حقوق مالکانه می‌شود؛ به غیر از موارد مرتبط با مبادلات با دارندگان حقوق مالکانه.

درآمد عملیاتی

درآمد کسب‌شده در روال فعالیتهای عادی که مربوط به فعالیتهای اصلی و مستمر واحد تجاری است.

قرارداد

توافق بین دو یا چند شخص که حقوق و تعهدات الزام‌آور ایجاد می‌کند.

قیمت فروش مستقل (کالا یا خدمت)

قیمتی که واحد تجاری یک کالا یا خدمت تعهدشده را بطور جداگانه به آن قیمت به یک مشتری می‌فروشد.

قیمت معامله (در قرارداد با مشتری)

مبلغ مابه‌ازایی که واحد تجاری انتظار دارد در قبال انتقال کالاها یا خدمات تعهدشده به مشتری، نسبت به آن محق باشد، به استثنای مبالغی که به نمایندگی از اشخاص ثالث وصول می‌شود.

مشتری

شخصی که در قبال پرداخت مابه‌ازا برای دستیابی به کالاها یا خدماتی که خروجی فعالیتهای عادی واحد تجاری است، با واحد تجاری قرارداد منعقد کرده است.

پیوست ب

رهنمود بکارگیری

این پیوست، بخش جداشدنی این استاندارد حسابداری است. در این پیوست (بردهای ۱ تا ۱۳۰ تشریح می‌شود و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است).

ب ۱. این رهنمود بکارگیری در سرفصلهای زیر سازماندهی شده است:

- الف. تعهدات عملکردی ایفاشده در طول زمان (بندهای ب ۲ تا ب ۱۳)؛
- ب. روشهای اندازه‌گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی (بندهای ب ۱۴ تا ب ۱۹)؛
- پ. فروش با حق برگشت (بندهای ب ۲۰ تا ب ۲۷)؛
- ت. ضمانتها (بندهای ب ۲۸ تا ب ۳۳)؛
- ث. ملاحظات مربوط به اصل در مقابل ملاحظات مربوط به نماینده (بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲)؛
- ج. اختیار مشتری برای تحصیل کالاها یا خدمات اضافی (بندهای ب ۴۳ تا ب ۴۷)؛
- چ. حق اعمال‌نشده توسط مشتری (بندهای ب ۴۸ تا ب ۵۱)؛
- ح. حق الزحمه اولیه غیرقابل استرداد (و برخی مخارج مرتبط) (بندهای ب ۵۲ تا ب ۵۵)؛
- خ. اعطای مجوز (بندهای ب ۵۶ تا ب ۶۹)؛
- د. توافقات بازخرید (بندهای ب ۷۰ تا ب ۸۲)؛
- ذ. توافقات حق‌الملک‌کاری (بندهای ب ۸۳ تا ب ۸۴)؛
- ر. توافقات فروش و نگهداری (بندهای ب ۸۵ تا ب ۸۸)؛
- ز. پذیرش توسط مشتری (بندهای ب ۸۹ تا ب ۹۲)؛ و
- ژ. افشای درآمد عملیاتی به تفکیک طبقات (بندهای ب ۹۳ تا ب ۹۵).

تعهدات عملکردی ایفاشده در طول زمان

- ب ۲. طبق بند ۳۶، در صورت احراز یکی از معیارهای زیر، تعهد عملکردی در طول زمان ایفا می‌شود:
- الف. مشتری، در طول زمان ایفای تعهد عملکردی توسط واحد تجاری، منافع ایجادشده از عملکرد واحد تجاری را همزمان دریافت و مصرف کند (به بندهای ب ۳ تا ب ۴ مراجعه شود)؛
 - ب. عملکرد واحد تجاری، یک دارایی (برای مثال، کار در جریان پیشرفت) را ایجاد کند یا توسعه دهد که مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، آن را کنترل کند (به بند ب ۵ مراجعه شود)؛ یا
 - پ. عملکرد واحد تجاری، یک دارایی با کاربرد جایگزین برای واحد تجاری ایجاد نکند (به بندهای ب ۶ تا ب ۸ مراجعه شود) و واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل‌شده تا آن تاریخ، حق الزام‌آور داشته باشد (به بندهای ب ۹ تا ب ۱۳ مراجعه شود).

دریافت و مصرف همزمان منافع ایجادشده از عملکرد واحد تجاری (بند ۳۶ الف))

- ب ۳. در برخی از انواع تعهدات عملکردی، ارزیابی اینکه مشتری منافع ایجادشده از عملکرد واحد تجاری را در طول زمان ایفای تعهد توسط واحد تجاری دریافت می‌کند و همزمان با دریافت منافع مذکور آنها را مصرف می‌نماید، ساده است. از جمله این موارد، خدمات روزمره یا تکرارشونده (نظیر خدمت نظافت) است که در آن، دریافت و مصرف همزمان منافع ایجادشده از عملکرد واحد تجاری توسط مشتری، به سادگی قابل تشخیص است.

- ب ۴. در برخی دیگر از تعهدات عملکردی، واحد تجاری ممکن است نتواند به سادگی تشخیص دهد که مشتری در طول زمان ایفای تعهد توسط واحد تجاری، منافع ایجادشده از عملکرد واحد تجاری را همزمان دریافت و مصرف می‌کند یا خیر. در این شرایط، تعهد عملکردی واحد تجاری در صورتی در طول زمان ایفا شده است که واحد تجاری تشخیص دهد اگر واحد تجاری دیگری بخواهد تعهد عملکردی باقیمانده را برای مشتری ایفا کند، لازم نیست بخش عمده کار تکمیل‌شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را مجدداً

انجام دهد. برای تعیین اینکه ضرورت ندارد واحد تجاری دیگر بخش عمده کار تکمیل شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را مجدداً انجام دهد، واحد تجاری باید هر دو فرض زیر را در نظر بگیرد:

الف. قیود قراردادی بالقوه یا محدودیتهای عملی که به شیوههای دیگر مانع واحد تجاری از انتقال تعهد عملکردی باقیمانده به واحد تجاری دیگر می شود را نادیده بگیرد؛ و

ب. فرض کند واحد تجاری دیگری که باقیمانده تعهد عملکردی را ایفا می کند، از دارایی که در حال حاضر در کنترل واحد تجاری است و در صورت انتقال تعهد عملکردی به واحد تجاری دیگر، همچنان در کنترل واحد تجاری باقی می ماند، منافی نخواهد داشت.

مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، آن را کنترل کند (بند ۳۶(ب))

ب۵. برای تعیین اینکه طبق بند ۳۶(ب)، مشتری در طول زمان ایجاد یا توسعه دارایی، آن را کنترل می کند یا خیر، واحد تجاری باید الزامات کنترل طبق بندهای ۳۲ تا ۳۵ و ۳۹ را بکار گیرد. دارایی ایجاد شده یا توسعه یافته (برای مثال، کار در جریان پیشرفت)، می تواند مشهود یا نامشهود باشد.

عملکرد واحد تجاری، یک دارایی با کاربرد جایگزین ایجاد نکند (بند ۳۶(ب))

ب۶. در ارزیابی اینکه طبق بند ۳۶، یک دارایی کاربرد جایگزین برای واحد تجاری دارد یا خیر، واحد تجاری باید آثار قیود قراردادی و محدودیتهای عملی بر توانایی واحد تجاری برای هدایت آسان آن دارایی جهت استفادهای دیگر، مانند فروش آن به مشتری دیگر را بررسی کند. امکان خاتمه دادن قرارداد با مشتری، در ارزیابی اینکه واحد تجاری می تواند به سهولت دارایی را برای استفادهای دیگر هدایت کند یا خیر، موضوعی مربوط تلقی نمی شود.

ب۷. قید قراردادی بر توانایی واحد تجاری برای هدایت یک دارایی جهت استفادهای دیگر، در مورد دارایی که کاربرد جایگزین برای واحد تجاری ندارد باید ماهوی باشد. قید قراردادی در صورتی ماهوی است که اگر واحد تجاری در صدد هدایت دارایی جهت استفادهای دیگر بر آید، مشتری بتواند حق خود نسبت به دارایی تعهد شده را اعمال کند. در مقابل، قید قراردادی در صورتی ماهوی نیست که برای مثال، یک دارایی تا حد زیادی قابل معاوضه با داراییهای دیگری باشد که واحد تجاری می تواند آنها را بدون نقض قرارداد و بدون تحمل مخارج عمده که در غیر این صورت در ارتباط با قرارداد تحمل نمی شد، به مشتری دیگری منتقل کند.

ب۸. اگر واحد تجاری برای هدایت دارایی جهت استفادهای دیگر، زیانهای عمدهای تحمل کند، محدودیت عملی بر توانایی واحد تجاری برای هدایت آن دارایی جهت استفادهای دیگر وجود دارد. زیان عمده ممکن است به این دلیل ایجاد شود که واحد تجاری مخارج عمدهای برای کار مجدد روی دارایی متحمل می شود یا تنها می تواند دارایی را با زیانی عمده به فروش رساند. برای مثال، واحد تجاری ممکن است برای هدایت مجدد داراییهایی که مشخصات طراحی آنها تنها مختص یک مشتری است یا در مناطق دورافتاده قرار گرفته اند، در عمل با محدودیت مواجه شود.

حق نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ (بند ۳۶(ب))

ب۹. طبق بند ۳۸، چنانچه واحد تجاری حداقل بابت جبران عملکرد تکمیل شده توسط واحد تجاری تا تاریخی که مشتری یا شخص دیگری قرارداد را به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهد توسط واحد تجاری خاتمه داده باشد، نسبت به دریافت مبلغی محق باشد، واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ حق دارد. مبلغی که عملکرد تکمیل شده توسط واحد تجاری تا آن تاریخ را جبران می کند، تقریبی از قیمت فروش کالاها یا خدمات انتقال یافته تا آن تاریخ است (برای مثال، بازیافت مخارج تحمل شده توسط واحد تجاری برای ایفای تعهد عملکردی به اضافه سود معقول)، نه مبلغی که صرفاً کاهش بالقوه در سود را در صورت خاتمه دادن قرارداد جبران می کند. ضرورتی ندارد جبران سود معقول با سود مورد انتظار در صورت ایفای قرارداد طبق تعهد، برابر باشد؛ اما واحد تجاری باید نسبت به جبران یکی از مبالغ زیر محق باشد:

الف. نسبتی از سود مورد انتظار در قرارداد که بطور معقول میزان عملکرد واحد تجاری طبق قرارداد را قبل از خاتمه آن توسط مشتری (یا شخص دیگر)، منعکس می کند؛ یا

ب. اگر سود قرارداد بیشتر از بازدهی باشد که واحد تجاری بطور معمول از قراردادهای مشابه به دست می آورد، بازده معقولی نسبت به مخارج انجام شده توسط واحد تجاری برای قراردادهای مشابه (یا سود عملیاتی معمول واحد تجاری برای قراردادهای مشابه).

ب ۱۰. حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، ضرورت ندارد یک حق فعلی غیرمشروط نسبت به پرداخت باشد. در موارد بسیاری، واحد تجاری تنها در مقاطع مورد توافق یا در صورت ایفای کامل تعهد عملکردی، حق غیرمشروط نسبت به پرداخت مشتری دارد. واحد تجاری در ارزیابی اینکه نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ محق است یا خیر، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهد که اگر قرارداد قبل از تکمیل، به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهد توسط واحد تجاری خاتمه می‌یافت، آیا واحد تجاری حق الزام‌آور برای مطالبه یا از دست ندادن پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ را می‌داشت یا خیر.

ب ۱۱. مشتری ممکن است در برخی قراردادها، حق خاتمه دادن به قرارداد را تنها در زمانهای معینی در طول مدت قرارداد داشته باشد یا مشتری ممکن است هیچ حقی برای خاتمه دادن به قرارداد نداشته باشد. چنانچه مشتری قرارداد را خاتمه دهد، بدون آنکه حق خاتمه دادن به آن قرارداد را در آن زمان داشته باشد (شامل زمانی که مشتری تعهدات خود را طبق قرارداد ایفا نکند)، قرارداد (یا قوانین دیگر) ممکن است واحد تجاری را محق بداند کالاها یا خدمات تعهدشده مندرج در قرارداد را همچنان به مشتری انتقال دهد و مشتری را ملزم کند مابه‌ازای تعهدشده در قبال کالاها یا خدمات مذکور را پرداخت نماید. در این شرایط، واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ محق است، زیرا واحد تجاری حق دارد ایفای تعهدات خود را طبق قرارداد ادامه دهد و مشتری را ملزم کند تعهدات خود (شامل پرداخت مابه‌ازای تعهدشده) را ایفا نماید.

ب ۱۲. واحد تجاری در ارزیابی وجود و الزام‌آور بودن حق نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، باید شرایط قراردادی و همچنین قانون یا رویه قانونی که می‌تواند مکمل یا ابطال‌کننده آن شرایط قراردادی باشد را مدنظر قرار دهد. این موضوع، شامل ارزیابی این است که آیا:

الف. قانون، مقررات یا رویه حقوقی، به واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، حق اعطا می‌کند حتی اگر آن حق، در قرارداد با مشتری تصریح نشده باشد؛

ب. رویه حقوقی مربوط نشان می‌دهد که حق مشابه نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ در قراردادهای مشابه، اثر قانونی الزام‌آور ندارد؛ یا

پ. رویه‌های مرسوم تجاری واحد تجاری مبنی بر عدم اعمال حق نسبت به پرداخت مشتری، منجر به این شده است که حق اعطاشده در آن محیط حقوقی، الزام‌آور نباشد. با وجود این، علیرغم اینکه واحد تجاری ممکن است تصمیم بگیرد از حق خود نسبت به پرداخت مشتری در قراردادهای مشابه صرف‌نظر کند، اگر در قرارداد با مشتری، حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تا آن تاریخ الزام‌آور باشد، آن واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری تا آن تاریخ، محق است.

ب ۱۳. جدول زمانبندی پرداخت که در قرارداد مشخص شده است، الزاماً نشان‌دهنده این نیست که واحد تجاری حق الزام‌آور نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ دارد. اگرچه جدول زمانبندی پرداخت مندرج در قرارداد، زمانبندی و مبلغ مابه‌ازای قابل پرداخت توسط مشتری را مشخص می‌کند، اما لزوماً شواهدی در ارتباط با حق واحد تجاری نسبت به پرداخت مشتری بابت عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ فراهم نمی‌کند. دلیل این امر آن است که برای مثال، طبق قرارداد ممکن است مابه‌ازای دریافت شده از مشتری، به دلایلی غیر از عدم ایفای تعهدات مندرج در قرارداد، قابل استرداد باشد.

روشهای اندازه‌گیری پیشرفت در ایفای کامل تعهد عملکردی

ب ۱۴. روشهای اندازه‌گیری پیشرفت واحد تجاری در ایفای کامل تعهد عملکردی که طبق بندهای ۳۶ تا ۳۸ در طول زمان ایفا می‌شود، شامل موارد زیر است:

الف. روشهای مبتنی بر خروجی (به بندهای ب ۱۵ تا ب ۱۷ مراجعه شود)؛ و

ب. روشهای مبتنی بر ورودی (به بندهای ب ۱۸ تا ب ۱۹ مراجعه شود).

روشهای مبتنی بر خروجی

ب ۱۵. طبق روشهای مبتنی بر خروجی، درآمد عملیاتی بر مبنای اندازه‌گیری‌های مستقیم ارزش کالاها یا خدمات انتقال یافته به مشتری تا آن تاریخ در مقایسه با ارزش کالاها یا خدمات تعهدشده باقیمانده طبق قرارداد، شناسایی می‌شود. روشهای مبتنی بر خروجی شامل روشهایی نظیر بررسی عملکرد تکمیل شده تا آن تاریخ، ارزیابی نتایج به دست آمده، دستیابی به مقاطع

مشخص، زمان سپری شده و واحدهای تولید شده یا واحدهای تحویل داده شده است. واحد تجاری هنگام ارزیابی روش مبتنی بر خروجی برای اندازه گیری پیشرفت خود، باید در نظر داشته باشد که آیا خروجی انتخاب شده، تصویر صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری برای ایفای کامل تعهد عملکردی منعکس می کند یا خیر. روش مبتنی بر خروجی، در صورتی که خروجی انتخاب شده، قابلیت اندازه گیری برخی کالاها یا خدماتی که کنترل آنها به مشتری منتقل شده است را نداشته باشد، تصویر صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری نشان نمی دهد. برای مثال، اگر در پایان دوره گزارشگری، عملکرد واحد تجاری منجر به تولید کار در جریان پیشرفت یا کالاهای تکمیل شده ای شود که در کنترل مشتری است و در اندازه گیری خروجی در نظر گرفته نشود، روشهای مبتنی بر خروجی بر مبنای واحدهای تولید شده یا واحدهای تحویل شده، تصویر صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری برای ایفای تعهد عملکردی نشان نمی دهند.

ب۱۶. به عنوان یک اقتضای عملی، اگر واحد تجاری حق دریافت مابه ازایی را از مشتری داشته باشد که مبلغ آن بطور مستقیم با ارزش عملکرد تکمیل شده برای مشتری توسط واحد تجاری تا آن تاریخ ارتباط دارد (برای مثال، یک قرارداد ارائه خدمات که واحد تجاری مبلغ ثابتی را به ازای هر ساعت خدمت ارائه شده صورتحساب می کند)، واحد تجاری ممکن است درآمد عملیاتی را به مبلغی شناسایی کند که حق صورتحساب کردن آن را دارد.

ب۱۷. معایب روشهای مبتنی بر خروجی این است که خروجیهای استفاده شده برای اندازه گیری پیشرفت، ممکن است بطور مستقیم قابل مشاهده نباشند و اطلاعات مورد نیاز برای بکارگیری آنها بدون صرف مخارج زیاد در دسترس واحد تجاری نباشد. بنابراین، ممکن است استفاده از یک روش مبتنی بر ورودی ضروری باشد.

روشهای مبتنی بر ورودی

ب۱۸. طبق روشهای مبتنی بر ورودی، درآمد عملیاتی بر مبنای تلاشها یا ورودیهای واحد تجاری (برای مثال، منابع مصرف شده، ساعات کار صرف شده، مخارج تحمل شده، زمان سپری شده یا ساعات کار کرد ماشین آلات) برای ایفای تعهد عملکردی در مقایسه با کل ورودیهای مورد انتظار برای ایفای آن تعهد عملکردی، شناسایی می شود. اگر تلاشها یا ورودیهای واحد تجاری، در طول دوره ایفای تعهد بطور یکنواخت مصرف شود، ممکن است شناسایی درآمد عملیاتی بر مبنای خط مستقیم برای واحد تجاری مناسب باشد.

ب۱۹. نقطه ضعف روشهای مبتنی بر ورودی این است که بین ورودیهای واحد تجاری و انتقال کنترل کالاها یا خدمات به مشتری، ممکن است رابطه مستقیم وجود نداشته باشد. بنابراین، واحد تجاری باید در راستای هدف از اندازه گیری پیشرفت طبق بند ۴۰، آثار هر یک از ورودیها را که نشان دهنده عملکرد واحد تجاری در انتقال کنترل کالاها یا خدمات به مشتری نیست، در روش مبتنی بر ورودی در نظر نگیرد. برای مثال، هنگام استفاده از روش مبتنی بر مخارج تحمل شده، در شرایط زیر ممکن است تعدیل معیار پیشرفت ضرورت داشته باشد:

الف. هنگامی که مخارج تحمل شده، به پیشرفت واحد تجاری در ایفای تعهد عملکردی کمک نکرده باشد. برای مثال، واحد تجاری درآمد عملیاتی را بر مبنای مخارج شناسایی نمی کند که به دلیل ناکارآمدی عمده در عملکرد تحمل کرده و در قیمت قرارداد لحاظ نشده است (برای مثال، مخارج هدررفت مواد اولیه، نیروی کار یا سایر منابع که برای ایفای تعهد عملکردی تحمل شده است).

ب. هنگامی که مخارج تحمل شده متناسب با پیشرفت واحد تجاری در ایفای تعهد عملکردی نباشد. در چنین شرایطی، بهترین بیان از عملکرد واحد تجاری ممکن است تعدیل روش مبتنی بر ورودی به منظور شناسایی درآمد عملیاتی تنها تا میزان مخارج تحمل شده باشد. برای مثال، اگر واحد تجاری در آغاز قرارداد انتظار داشته باشد که تمام شرطهای زیر احراز شود، شناسایی درآمد عملیاتی به مبلغی برابر با بهای تمام شده کالای استفاده شده برای ایفای تعهد عملکردی، بیان صادقانه ای از عملکرد واحد تجاری است:

۱. کالا متمایز نباشد؛
۲. مشتری انتظار داشته باشد کنترل کالا را اساساً قبل از دریافت خدمات مرتبط با کالا به دست آورد؛
۳. بهای تمام شده کالای انتقال یافته در مقایسه با کل مخارج مورد انتظار برای ایفای کامل تعهد عملکردی، عمده باشد؛ و

۴. واحد تجاری کالا را از شخص ثالثی تأمین کرده باشد و در طراحی و تولید آن کالا، نقش عمده‌ای نداشته باشد (اما واحد تجاری طبق بندهای ب ۳۴ تا ب ۴۲ به عنوان اصل عمل کند).

فروش با حق برگشت

در برخی قراردادها، واحد تجاری کنترل محصول را به مشتری منتقل می‌کند و حق برگشت آن محصول به دلایل مختلف (نظیر نارضایتی از محصول) و دریافت ترکیبی از موارد زیر را به مشتری اعطا می‌نماید:

الف. استرداد تمام یا بخشی از مابه‌ازای پرداخت‌شده؛

ب. اعتباری که در مقابل مبالغ بدهی واحد تجاری یا مبالغی که به بدهی واحد تجاری تبدیل خواهد شد، قابل اعمال باشد؛ و

پ. معاوضه با محصولی دیگر.

برای به حساب منظور کردن انتقال محصولات با حق برگشت (و برای برخی خدماتی که دارای شرط استرداد وجوه است)، واحد تجاری باید تمام موارد زیر را شناسایی کند:

الف. درآمد عملیاتی بابت محصولات انتقال یافته به مبلغ مابه‌ازایی که واحد تجاری انتظار دارد نسبت به آن محق باشد (بنابراین، درآمد عملیاتی بابت محصولاتی که انتظار می‌رود برگشت داده شوند، شناسایی نمی‌شود)؛

ب. بدهی استرداد؛ و

پ. یک دارایی (و تعدیل متناظر در بهای تمام شده فروش) بابت حق دریافت مجدد محصولات از مشتریان در هنگام تسویه بدهی استرداد.

تعهد واحد تجاری به آمادگی جهت پذیرفتن محصول برگشت‌شده طی دوره برگشت، نباید به عنوان یک تعهد عملکردی افزون بر تعهد به استرداد در نظر گرفته شود.

واحد تجاری برای تعیین مبلغ مابه‌ازایی که انتظار دارد نسبت به آن محق باشد (یعنی در نظر نگرفتن محصولاتی که انتظار می‌رود برگشت داده شوند)، باید الزامات بندهای ۴۸ تا ۷۳ (شامل الزامات محدود کردن برآوردهای مابه‌ازای متغیر طبق بندهای ۵۷ تا ۵۹) را بکار گیرد. واحد تجاری در ارتباط با مبالغ دریافتی (یا دریافتی) که انتظار ندارد نسبت به آن محق باشد، نباید درآمد عملیاتی را در زمان انتقال محصولات به مشتری شناسایی کند، بلکه باید آن مبالغ دریافتی (یا دریافتی) را به عنوان بدهی استرداد شناسایی کند. پس از آن، در پایان هر دوره گزارشگری، واحد تجاری باید ارزیابی خود از مبالغی که انتظار دارد در قبال محصولات انتقال یافته، نسبت به آن محق باشد را به‌روزآوری کند و متناظر با آن، قیمت معامله، و در نتیجه، مبلغ درآمد عملیاتی شناسایی شده را تغییر دهد.

ب ۲۴. واحد تجاری باید اندازه‌گیری بدهی استرداد را در پایان هر دوره گزارشگری بابت تغییر در انتظارات درباره مبلغ استرداد به‌روزآوری کند. واحد تجاری باید تعدیلات متناظر را به عنوان درآمد عملیاتی (یا کاهش درآمد عملیاتی) شناسایی کند.

ب ۲۵. دارایی شناسایی شده بابت حق واحد تجاری نسبت به دریافت مجدد محصولات از مشتری هنگام تسویه بدهی استرداد، باید در ابتدا، با مراجعه به مبلغ دفتری قبلی محصول (برای مثال، موجودیها) پس از کسر هرگونه مخارج مورد انتظار برای دریافت مجدد آن محصولات (شامل کاهش بالقوه در ارزش محصولات برگشتی واحد تجاری) اندازه‌گیری شود. در پایان هر دوره گزارشگری، واحد تجاری باید اندازه‌گیری دارایی حاصل از تغییر در انتظارات درباره محصولات برگشت داده می‌شود را به‌روزآوری کند. واحد تجاری باید دارایی را جدا از بدهی استرداد ارائه نماید.

ب ۲۶. معاوضه یک محصول با محصول دیگری از همان نوع، کیفیت، شرایط و قیمت (برای مثال محصول دیگر با همان رنگ یا اندازه) توسط مشتری، برای مقاصد بکارگیری این استاندارد، به عنوان برگشت در نظر گرفته نمی‌شود.

ب ۲۷. قراردادهایی که طبق آنها مشتری ممکن است محصول معیوبی را در معاوضه با محصول سالم برگشت دهد، باید طبق رهنمود مرتبط با ضمانتها در بندهای ب ۲۸ تا ب ۳۳، ارزیابی شود.

ضمانتها

ب ۲۸. ارائه ضمانت (طبق قرارداد، قانون یا رویه‌های مرسوم تجاری واحد تجاری) توسط واحد تجاری هنگام فروش یک محصول (کالا یا خدمت) امری عادی است. ماهیت ضمانت در صنایع و قراردادهای می‌تواند تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. برخی ضمانتها به مشتری

اطمینان می‌دهد که کارکرد محصول مربوط، طبق خواست طرفین است، زیرا با ویژگیهای توافق شده مطابقت دارد. سایر ضمانتها، علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی را به مشتری ارائه می‌کند.

ب ۲۹. اگر مشتری اختیار خرید جداگانه یک ضمانت را داشته باشد (برای مثال، به این علت که ضمانت، جداگانه قیمت گذاری شده یا مورد مذاکره قرار گرفته است)، آن ضمانت، خدمت متمایز است، زیرا واحد تجاری متعهد است افزون بر محصولی با قابلیت توصیف شده در قرارداد، این خدمت را برای مشتری ارائه کند. در این شرایط، واحد تجاری باید ضمانت تعهد شده را به عنوان یک تعهد عملکردی طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱ در نظر بگیرد و بخشی از قیمت معامله را طبق بندهای ۷۴ تا ۸۷، به آن تعهد عملکردی تخصیص دهد.

ب ۳۰. اگر مشتری اختیار خرید جداگانه ضمانت را نداشته باشد، واحد تجاری باید ضمانت را طبق استاندارد حسابداری ۴ ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی به حساب منظور کند، مگر اینکه ضمانت تعهد شده یا قسمتی از ضمانت تعهد شده، علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی را به مشتری ارائه کند.

ب ۳۱. واحد تجاری در ارزیابی اینکه ضمانت، علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی به مشتری ارائه می‌کند یا خیر، باید عواملی نظیر موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. آیا ضمانت به موجب قانون الزامی شده است یا خیر - اگر واحد تجاری به موجب قانون ملزم به ارائه ضمانت شده باشد، وجود این قانون نشان می‌دهد که ضمانت تعهد شده، تعهد عملکردی نیست، زیرا چنین الزاماتی معمولاً برای محافظت از مشتریان در برابر ریسک خرید محصولات معیوب وجود دارند.

ب. طول دوره پوشش ضمانت - هر چه دوره پوشش طولانی تر باشد، احتمال اینکه ضمانت تعهد شده تعهد عملکردی باشد، بیشتر است، زیرا احتمال اینکه علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی به مشتری ارائه شود، بیشتر می‌شود.

پ. ماهیت وظایفی که واحد تجاری متعهد به اجرای آنها است - چنانچه اجرای وظایفی مشخص توسط واحد تجاری برای ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده ضرورت داشته باشد (برای مثال، خدمت حمل مربوط به برگشت کالای معیوب)، در این صورت، وظایف مذکور احتمالاً منجر به ایجاد تعهد عملکردی نمی‌شود.

ب ۳۲. چنانچه ضمانت یا قسمتی از ضمانت، علاوه بر ایجاد اطمینان از مطابقت محصول با ویژگیهای توافق شده، خدمتی به مشتری ارائه کند، خدمت تعهد شده، یک تعهد عملکردی است. بنابراین، واحد تجاری باید قیمت معامله را به محصول و خدمت تخصیص دهد. اگر واحد تجاری هم ضمانت از نوع اطمینان و هم ضمانت از نوع خدمت را متعهد شود، اما نتواند بطور معقول آنها را جداگانه به حساب منظور کند، باید هر دو ضمانت را با هم به عنوان یک تعهد عملکردی منفرد در نظر بگیرد.

ب ۳۳. قانونی که واحد تجاری را در صورت ایجاد خسارت یا آسیب ناشی از محصولات واحد تجاری، ملزم به پرداخت خسارت می‌کند، موجب تعهد عملکردی نمی‌شود. برای مثال، یک تولید کننده ممکن است محصولات خود را در کشوری به فروش برساند که طبق قوانین آن کشور، تولید کننده مسئول هر گونه خسارتی (برای مثال، بر اموال شخصی) است که ممکن است در نتیجه استفاده مورد نظر از محصول توسط مصرف کننده به وجود آید. به همین ترتیب، تعهد واحد تجاری به جبران خسارت مشتری بابت بدهیها و خسارتهای ناشی از ادعا نسبت به حق اختراع، حق تکثیر، علامت تجاری یا نقض حقوق دیگر ناشی از محصولات واحد تجاری، منجر به ایجاد تعهد عملکردی نمی‌شود. واحد تجاری باید چنین تعهداتی را طبق استاندارد حسابداری ۴ به حساب منظور کند.

ملاحظات مربوط به اصل در مقابل ملاحظات مربوط به نماینده

ب ۳۴. هنگامی که شخص دیگری در فراهم کردن کالاها یا خدمات برای مشتری نقش دارد، واحد تجاری باید تعیین کند که آیا ماهیت تعهد واحد تجاری، یک تعهد عملکردی برای ارائه کالاها یا خدمات معین توسط خود او است (یعنی واحد تجاری اصل است) یا فراهم کردن بستری برای شخص دیگر به منظور ارائه کالاها یا خدمات است (یعنی واحد تجاری نماینده است). واحد تجاری برای هر کالا یا خدمت معین تعهد شده به مشتری، تعیین می‌کند اصل است یا نماینده. منظور از یک کالا یا خدمت معین، یک کالا یا خدمت متمایز (یا بسته‌ای از کالاها یا خدمات متمایز) است که باید برای مشتری فراهم شود (به بندهای ۲۸ تا ۳۱ مراجعه شود). اگر قرارداد با مشتری دربردارنده چندین کالا یا خدمت معین باشد، واحد تجاری می‌تواند برای برخی از کالاها یا خدمات معین، اصل و برای برخی دیگر، نماینده باشد.

واحد تجاری برای تعیین ماهیت تعهد خود (طبق توصیف بند ۳۴)، باید:

الف. کالاها یا خدمات معینی که قرار است برای مشتری فراهم شود را مشخص کند (که می‌تواند، برای مثال، حق نسبت به کالا یا خدمتی باشد که قرار است توسط شخصی دیگر فراهم شود (به بند ۲۷ مراجعه شود))؛ و
ب. ارزیابی کند که آیا هر کالا یا خدمت معین را، قبل از انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری، کنترل می‌کند یا خیر (طبق توصیف بند ۳۴).

ب۳۶. چنانچه واحد تجاری کالا یا خدمت معین را قبل از انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری کنترل کند، اصل محسوب می‌شود. با وجود این، اگر واحد تجاری مالکیت قانونی یک کالای معین را تنها بطور موقت قبل از انتقال مالکیت قانونی به مشتری به دست آورد، لزوماً آن کالا را کنترل نمی‌کند. یک واحد تجاری که اصل محسوب می‌شود ممکن است تعهد عملکردی خود در فراهم کردن کالا یا خدمتی معین را خودش ایفا کند یا ممکن است شخص دیگری (مانند یک پیمانکار دست دوم) را برای ایفای تمام یا قسمتی از تعهد عملکردی از طرف خود بکار گمارد.

هرگاه شخص دیگری برای فراهم کردن کالاها یا خدمات برای مشتری بکار گمارده شود، واحد تجاری که اصل است، کنترل هر یک از موارد زیر را به دست می‌آورد:

الف. یک کالا یا دارایی دیگر دریافتی از شخص دیگر که بعداً به مشتری منتقل می‌شود.
ب. حق نسبت به خدمتی که قرار است توسط شخص دیگر ایفا شود، که این حق به واحد تجاری توانایی هدایت آن شخص برای ارائه آن خدمت به مشتری از طرف واحد تجاری را می‌دهد.
پ. کالا یا خدمت دریافتی از شخص دیگر که بعداً آن را با کالاها یا خدمات دیگر ترکیب می‌کند تا کالا یا خدمت معینی برای مشتری فراهم کند. برای مثال چنانچه واحد تجاری خدمت قابل ملاحظه‌ای برای یکپارچه‌سازی کالاها یا خدمات فراهم شده توسط شخص دیگر ارائه نماید (به بند ۳۰ الف) مراجعه شود) تا به کالا یا خدمت معینی دست یابد که قرارداد با مشتری بابت آن منعقد شده است، واحد تجاری قبل از انتقال کالا یا خدمت معین به مشتری، کنترل آن کالا یا خدمت را کسب می‌کند، زیرا واحد تجاری، نخست کنترل ورودیها را برای دستیابی به کالا یا خدمتی معین (که شامل کالاها یا خدمات از اشخاص دیگر است) در اختیار می‌گیرد و استفاده از ورودیها را برای ایجاد خروجی ترکیبی که خدمت یا کالایی معین است، هدایت می‌کند.

زمانی (یا در طول زمانی) که واحد تجاری اصل، تعهد عملکردی را ایفا می‌کند، واحد تجاری درآمد عملیاتی را به مبلغ ناخالص مابه‌ازایی که انتظار دارد در قبال کالا یا خدمت تعهدشده، نسبت به آن محق باشد، شناسایی می‌نماید.

ب۳۹. چنانچه تعهد عملکردی واحد تجاری، فراهم کردن بستر ارائه کالاها یا خدمات توسط شخص دیگر باشد، واحد تجاری، نماینده است. در صورتی که واحد تجاری، نماینده باشد، کنترل کالا یا خدمت معین فراهم‌شده توسط شخص دیگر را قبل از انتقال آن کالا یا خدمت به مشتری، کسب نمی‌کند. زمانی (یا در طول زمانی) که واحد تجاری نماینده، تعهد عملکردی را ایفا می‌کند، درآمد عملیاتی را به مبلغ حق الزحمه یا کارمزدی شناسایی می‌نماید که انتظار دارد در ازای فراهم کردن بستر ارائه کالاها یا خدمات توسط شخص دیگر، نسبت به آن محق باشد. حق الزحمه یا کارمزد واحد تجاری، خالص مبلغ مابه‌ازایی است که پس از پرداخت از محل مابه‌ازای دریافتی به شخص دیگر در قبال کالاها یا خدماتی که باید توسط آن شخص ارائه شود، برای واحد تجاری باقی می‌ماند.

ب۴۰. معیارهایی که نشان می‌دهد واحد تجاری کالا یا خدمتی معین را قبل از انتقال به مشتری کنترل می‌کند (و بنابراین طبق بند ۳۷ اصل است)، شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نیست:

الف. واحد تجاری اساساً مسئول ایفای تعهد فراهم کردن کالا یا خدمتی معین باشد. این امر بطور معمول شامل مسئولیت بابت قابل قبول بودن کالا یا خدمتی معین است (برای مثال، مسئولیت اصلی بابت اینکه کالا یا خدمت، مشخصات مورد نظر مشتری را احراز کند). اگر واحد تجاری اساساً مسئول ایفای تعهد فراهم کردن کالا یا خدمتی معین باشد، این موضوع ممکن است نشان دهد که شخص دیگری که در فراهم کردن کالا یا خدمت معین نقش دارد، از طرف واحد تجاری عمل می‌کند.

ب. واحد تجاری قبل از انتقال کالا یا خدمت معین به مشتری یا پس از انتقال کنترل به مشتری (برای مثال، اگر مشتری حق برگشت داشته باشد)، ریسک موجودی را دارد. برای مثال، اگر واحد تجاری قبل از دستیابی به قرارداد با مشتری، به کالا یا خدمت معین دست یابد یا خود را متعهد به دستیابی به آن کالا یا خدمت کند، این موضوع ممکن است نشان‌دهنده آن باشد که واحد

تجاری قبل از انتقال کالا یا خدمت به مشتری، توانایی هدایت استفاده از آن کالا یا خدمت یا دستیابی به تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از کالا یا خدمت مزبور را دارد.

پ. واحد تجاری اختیار تعیین قیمت کالا یا خدمت معین را داشته باشد. تعیین قیمتی که مشتری بابت کالا یا خدمتی معین پرداخت می کند، ممکن است نشان دهنده آن باشد که واحد تجاری توانایی هدایت استفاده از آن کالا یا خدمت یا دستیابی به تقریباً تمام منافع باقیمانده را دارد. با وجود این، در برخی موارد، نماینده می تواند اختیار تعیین قیمت داشته باشد. برای مثال، نماینده ممکن است در راستای ایجاد درآمد عملیاتی بیشتر از طریق خدمت فراهم کردن بستر ارائه کالاها یا خدمات که قرار است توسط اشخاص دیگر به مشتری ارائه شود، تا حدودی در تعیین قیمت آنها انعطاف داشته باشد.

با توجه به ماهیت کالا یا خدمت معین و شرایط قرارداد، معیارهای مندرج در بند ب ۴۰ ممکن است در ارزیابی کنترل، کم و بیش مربوط تلقی شوند. افزون بر این، معیارهای دیگری ممکن است در قراردادهای مختلف شواهد متقاعدکننده تری فراهم کند.

ب ۴۲. چنانچه واحد تجاری دیگری، تعهدات عملکردی و حقوق قراردادی واحد تجاری را که در قرارداد مندرج است تقبل کند، به گونه ای که واحد تجاری، دیگر متعهد به ایفاء تعهد عملکردی انتقال کالا یا خدمت معین به مشتری نباشد (یعنی واحد تجاری، دیگر به عنوان اصل عمل نکند)، واحد تجاری نباید بابت آن تعهد عملکردی در درآمد عملیاتی شناسایی کند. در مقابل، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا بابت ایفاء تعهد عملکردی برای دستیابی شخص دیگر به قرارداد، باید درآمد عملیاتی شناسایی کند یا خیر (یعنی آیا واحد تجاری به عنوان نماینده عمل می کند یا خیر).

اختیار مشتری برای تحصیل کالاها یا خدمات اضافی

ب ۴۳. اختیار مشتری برای تحصیل کالاها یا خدمات اضافی بطور رایگان یا با تخفیف، به شکلهای مختلف ارائه می شود که از آن جمله به مشوقهای فروش، اعتبار (یا امتیاز) جایزه به مشتری، اختیار تمدید قرارداد یا سایر تخفیفها در ارتباط با کالاها یا خدمات آتی می توان اشاره کرد.

ب ۴۴. اگر در یک قرارداد، واحد تجاری اختیار تحصیل کالاها یا خدمات اضافی را به مشتری اعطا کند، اختیار مذکور تنها در صورتی منجر به ایجاد تعهد عملکردی در قرارداد می شود که حق بااهمیتی برای مشتری فراهم کند، به گونه ای که مشتری بدون انعقاد آن قرارداد، به آن حق دست نیابد (برای مثال، تخفیفی که در مقایسه با دامنه تخفیفاتی که بطور معمول بابت آن کالاها یا خدمات به آن طبقه از مشتری در آن حوزه جغرافیایی یا بازار اعطا می شود، بیشتر است). اگر این اختیار حق بااهمیتی برای مشتری فراهم کند، مشتری در واقع بابت کالاها یا خدمات آتی پیش پرداخت انجام می دهد و واحد تجاری درآمد عملیاتی را هنگامی شناسایی می کند که کالاها یا خدمات آتی مزبور انتقال یابند یا اینکه اختیار منقضی شود.

ب ۴۵. اگر مشتری اختیار تحصیل کالا یا خدمت اضافی را به قیمتی داشته باشد که نشان دهنده قیمت فروش مستقل آن کالا یا خدمت است، این اختیار حق بااهمیتی برای مشتری فراهم نمی کند، حتی اگر اختیار مزبور، تنها با انعقاد قرارداد قبلی قابل اعمال باشد. در چنین مواردی، واحد تجاری پیشنهادی با هدف بازاریابی ارائه کرده است که طبق این استاندارد تنها زمانی باید به حساب منظور شود که مشتری اختیار خرید کالاها یا خدمات اضافی را اعمال می کند.

ب ۴۶. طبق بند ۷۵، واحد تجاری ملزم است قیمت معامله را بر مبنای قیمت فروش مستقل نسبی به تعهدات عملکردی تخصیص دهد. اگر قیمت فروش مستقل برای اختیار مشتری جهت تحصیل کالاها یا خدمات اضافی، بطور مستقیم قابل مشاهده نباشد، واحد تجاری باید آن را برآورد کند. این برآورد باید تخفیفی که مشتری هنگام اعمال اختیار به دست می آورد را منعکس کند و بابت هر دو مورد زیر تعدیل شود:

- الف. هرگونه تخفیف که مشتری می تواند بدون اعمال اختیار دریافت کند؛ و
- ب. میزان احتمال اینکه اختیار اعمال شود.

ب ۴۷. چنانچه مشتری حق بااهمیتی برای تحصیل کالاها یا خدمات آتی داشته باشد و کالاها یا خدمات مذکور، مشابه کالاها یا خدمات اولیه مندرج در قرارداد باشند و طبق شرایط قرارداد اولیه ارائه شده باشند؛ واحد تجاری ممکن است به عنوان یک اقتضای عملی برای برآورد قیمت فروش مستقل برای اختیار، قیمت معامله را با مراجعه به کالاها یا خدماتی که انتظار می رود فراهم شود و مابه ازای مورد انتظار برای آنها، به کالاها یا خدمات اختیاری تخصیص دهد. بطور معمول، این نوع اختیار، برای تمدید قرارداد است.

حق اعمال نشده توسط مشتری

ب ۴۸. طبق بند ۱۰۷، هنگام دریافت پیش پرداخت مشتری، واحد تجاری باید بدهی ناشی از قرارداد را به مبلغ پیش پرداخت مشتری بابت تعهد عملکردی خود برای انتقال، یا آمادگی برای انتقال کالاها یا خدمات در آینده، شناسایی کند. واحد تجاری هنگامی که کالاها یا خدمات مذکور را انتقال می دهد، و بنابراین تعهد عملکردی را ایفا می کند، باید بدهی ناشی از قرارداد را قطع شناخت نماید (و درآمد عملیاتی شناسایی کند).

ب ۴۹. پیش پرداخت غیر قابل استرداد مشتری به واحد تجاری، به مشتری حق دریافت کالا یا خدمت در آینده را می دهد (و واحد تجاری را متعهد می کند آماده انتقال کالا یا خدمت باشد). با وجود این، مشتری ممکن است تمام حقوق قراردادی خود را اعمال نکند.

ب ۵۰. اگر واحد تجاری انتظار داشته باشد در بدهی ناشی از قرارداد، نسبت به مبلغ حق اعمال نشده توسط مشتری محق باشد، باید مبلغ مورد انتظار حق اعمال نشده توسط مشتری را متناسب با الگوی حق اعمال شده توسط مشتری، به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند. اگر واحد تجاری انتظار نداشته باشد که نسبت به مبلغ حق اعمال نشده توسط مشتری حق داشته باشد، زمانی باید مبلغ مورد انتظار حق اعمال نشده توسط مشتری را به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی کند که احتمال اعمال حق باقیمانده توسط مشتری بعید باشد. برای تعیین اینکه واحد تجاری انتظار دارد نسبت به مبلغ حق اعمال نشده توسط مشتری محق باشد یا خیر، باید الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۵۹ درباره محدود کردن برآورد مابه ازای متغیر مورد توجه قرار گیرد.

ب ۵۱. واحد تجاری باید بابت هر گونه مابه ازای دریافتی قابل انتساب به حق اعمال نشده توسط مشتری که واحد تجاری ملزم به پرداخت آن به شخصی دیگر است، بدهی (و نه درآمد عملیاتی) شناسایی کند.

حق الزحمه اولیه غیر قابل استرداد (و برخی مخارج مرتبط)

در برخی قراردادهای واحد تجاری در آغاز قرارداد یا نزدیک به آن، حق الزحمه اولیه غیر قابل استرداد را از مشتری مطالبه می کند. مثالها شامل حق عضویت مندرج در قراردادهای عضویت در باشگاه تندرستی، حق الزحمه فعال سازی در قراردادهای ارتباطات از راه دور، حق الزحمه تنظیم برخی قراردادهای خدماتی و حق الزحمه اولیه در برخی قراردادهای تأمین است.

واحد تجاری برای تشخیص تعهدات عملکردی در چنین قراردادهایی باید ارزیابی کند که آیا حق الزحمه اولیه، به انتقال کالا یا خدمت تعهد شده مربوط است یا خیر. در بسیاری از موارد، حتی اگر حق الزحمه اولیه غیر قابل استرداد مربوط به فعالیتی باشد که واحد تجاری باید برای ایفای قرارداد، آن فعالیت را در آغاز قرارداد یا نزدیک به آن انجام دهد، فعالیت مذکور منجر به انتقال کالا یا خدمت تعهد شده به مشتری نمی شود (به بند ۲۶ مراجعه شود). در مقابل، حق الزحمه اولیه، پیش دریافت بابت کالاها یا خدمات آتی است و بنابراین، هنگام ارائه آن کالاها یا خدمات در آینده، به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی می شود. اگر واحد تجاری اختیار تمدید قرارداد را به مشتری اعطا کند و این اختیار، حق بااهمیتی طبق توصیف بند ب ۴۰ برای مشتری فراهم نماید، دوره شناسایی درآمد عملیاتی از دوره قراردادی اولیه، فراتر خواهد رفت.

اگر پیش دریافت حق الزحمه غیر قابل استرداد، به یک کالا یا خدمت مربوط باشد، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا آن کالا یا خدمت را طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱، به عنوان تعهد عملکردی جداگانه به حساب منظور کند یا خیر.

واحد تجاری ممکن است بخشی از حق الزحمه غیر قابل استرداد را بابت جبران مخارج تحمل شده برای تنظیم قرارداد (یا سایر امور اداری تشریح شده در بند ۲۶) مطالبه کند. اگر فعالیتهای تنظیم قرارداد، تعهد عملکردی نباشند، واحد تجاری باید در زمان اندازه گیری میزان پیشرفت طبق بند ب ۱۹، فعالیتهای مذکور (و مخارج مرتبط) را نادیده بگیرد. دلیل این موضوع این است که مخارج فعالیتهای تنظیم قرارداد، نشان دهنده انتقال خدمات به مشتری نیست. واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا مخارج تحمل شده برای تنظیم قرارداد، یک دارایی که باید طبق بند ۹۶ شناسایی شود ایجاد کرده است یا خیر.

اعطای مجوز

مجوز، برای مشتری نسبت به دارایی فکری واحد تجاری حق ایجاد می کند. مجوزهای دارایی فکری ممکن است بابت موارد زیر باشد، اما محدود به آنها نیست:

الف. نرم افزار و فناوری؛

ب. فیلم، موسیقی و سایر اشکال رسانه و سرگرمی؛

پ. فرانشیز؛ و

ت. حق اختراع، علائم تجاری و حق تکثیر.

واحد تجاری ممکن است افزون بر تعهد به اعطای مجوز (مجوزها) به مشتری، متعهد به انتقال کالاها یا خدمات دیگری نیز به مشتری باشد. چنین تعهداتی ممکن است به صراحت در قرارداد ذکر شود یا بطور ضمنی از طریق رویه‌های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانیه‌های خاص منتشرشده واحد تجاری بیان گردد (به بند ۲۵ مراجعه شود). همانند سایر انواع قراردادها، هنگامی که قرارداد با مشتری، افزون بر سایر کالاها یا خدمات تعهدشده، شامل تعهد به اعطای مجوز (یا مجوزها) باشد، واحد تجاری بندهای ۲۳ تا ۳۱ را برای تشخیص هر یک از تعهدات عملکردی مندرج در قرارداد بکار می‌گیرد.

چنانچه طبق بندهای ۲۷ تا ۳۱، تعهد به اعطای مجوز از دیگر کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد متمایز نباشد، واحد تجاری باید تعهد به اعطای مجوز و سایر کالاها یا خدمات تعهدشده را با هم به عنوان یک تعهد عملکردی منفرد در نظر بگیرد. نمونه‌هایی از مجوزهایی که از سایر کالاها یا خدمات تعهدشده در قرارداد متمایز نیستند، شامل موارد زیر است:

الف. مجوزی که جزئی از یک کالای مشهود را تشکیل می‌دهد و بخش جدانشدنی قابلیت آن کالا است؛ و

ب. مجوزی که مشتری می‌تواند تنها همراه با یک خدمت مرتبط (مانند خدمت برخط ارائه‌شده توسط واحد تجاری که دسترسی مشتری به محتوا را از طریق اعطای مجوز امکانپذیر می‌کند) از آن منتفع شود.

اگر مجوز متمایز نباشد، واحد تجاری باید برای تعیین اینکه تعهد عملکردی (که شامل مجوز تعهدشده است) در طول زمان ایفا شده است یا در نقطه‌ای از زمان، بندهای ۳۲ تا ۳۹ را بکار گیرد.

اگر تعهد به اعطای مجوز از سایر کالاها یا خدمات تعهدشده مندرج در قرارداد متمایز باشد و بنابراین، تعهد به اعطای مجوز، یک تعهد عملکردی جداگانه محسوب شود، واحد تجاری باید تعیین کند که آیا مجوز در نقطه‌ای از زمان به مشتری منتقل می‌شود یا در طول زمان. برای تعیین این موضوع، واحد تجاری باید بررسی کند که ماهیت تعهد واحد تجاری در اعطای مجوز به مشتری، فراهم کردن کدام یک از موارد زیر برای مشتری است:

الف. حق دسترسی به دارایی فکری واحد تجاری که در سراسر دوره زمانی مجوز وجود دارد؛ یا

ب. حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری که در نقطه زمانی اعطای مجوز وجود دارد.

تعیین ماهیت تعهد واحد تجاری

ماهیت تعهد واحد تجاری در اعطای مجوز، در صورت احراز تمام معیارهای زیر، تعهد به فراهم کردن حق دسترسی به دارایی فکری واحد تجاری است:

الف. واحد تجاری طبق الزام قرارداد یا انتظار معقول مشتری، فعالیتهایی را انجام دهد که بر دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، تأثیر عمده داشته باشد (به بندهای ب۶۲ و ب۶۳ مراجعه شود)؛

ب. حق منتقل شده از طریق مجوز، مشتری را بطور مستقیم در معرض آثار منفی یا مثبت فعالیتهای واحد تجاری که در بند ب۶۱(الف) مشخص شده است، قرار دهد؛ و

پ. فعالیتهای مذکور، در زمان وقوع، منجر به انتقال کالا یا خدمت به مشتری نشود (به بند ۲۶ مراجعه شود).

عواملی که ممکن است نشان دهد مشتری می‌تواند انتظار معقول داشته باشد که واحد تجاری فعالیتهایی را انجام دهد که تأثیر عمده بر دارایی فکری دارد، شامل رویه‌های مرسوم تجاری، سیاستها یا بیانیه‌های خاص منتشرشده واحد تجاری است. وجود منافع اقتصادی مشترک (برای مثال، حق امتیاز مبتنی بر فروش) بین واحد تجاری و مشتری در ارتباط با دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، اگرچه عاملی تعیین‌کننده نیست، ممکن است نشان دهد که مشتری می‌تواند انتظاری معقول داشته باشد که واحد تجاری چنین فعالیتهایی را انجام دهد.

زمانی که یکی از موارد زیر وجود داشته باشد، فعالیتهای واحد تجاری بر دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، تأثیر عمده می‌گذارد:

الف. انتظار رود آن فعالیتهای، شکل (برای مثال طراحی یا محتوا) یا قابلیت (برای مثال توانایی انجام یک عمل یا وظیفه) آن دارایی فکری را تغییر دهد؛ یا

ب. توانایی مشتری برای دستیابی به منافع حاصل از آن دارایی فکری، اساساً ناشی از آن فعالیتها یا وابسته به آن فعالیتها باشد. برای مثال، منافع حاصل از یک نام تجاری، اغلب از فعالیتهای مستمر واحد تجاری که ارزش دارایی فکری را حفظ یا پشتیبانی می‌کنند، ناشی می‌شود یا به آن فعالیتها وابسته است.

بر این اساس، اگر دارایی فکری که مشتری نسبت به آن حق دارد، قابلیت مستقل مهمی داشته باشد، بخش عمده منافع آن دارایی فکری، از آن قابلیت ناشی می‌شود. در نتیجه، توانایی مشتری برای دستیابی به منافع حاصل از آن دارایی فکری، از فعالیتهای واحد تجاری تأثیر عمده نمی‌پذیرد، مگر اینکه آن فعالیتها، تغییر عمده‌ای در شکل یا قابلیت آن دارایی فکری ایجاد کنند. انواع داراییهای فکری که اغلب ماهیت مستقل مهمی دارند، شامل نرم‌افزار، ترکیبات بیولوژیک یا فرمول داروها، و محتوای رسانه‌ای تکمیل شده (برای مثال فیلمها، نمایشهای تلویزیونی و موسیقیهای ضبط شده) است.

واحد تجاری در صورت احراز معیارهای مندرج در بند ب ۶۱، باید تعهد به اعطای مجوز را به عنوان تعهد عملکردی ایفا شده در طول زمان، به حساب منظور کند، زیرا مشتری در طول زمان ایفای تعهد عملکردی توسط واحد تجاری، یعنی فراهم کردن دسترسی به دارایی فکری، منافع ایجاد شده از عملکرد واحد تجاری را همزمان دریافت و مصرف خواهد کرد (به بند ۳۶ الف) مراجعه شود). واحد تجاری برای انتخاب روش مناسب اندازه‌گیری پیشرفت خود در ایفای کامل آن تعهد عملکردی برای فراهم کردن دسترسی، باید بندهای ۴۰ تا ۴۶ را بکار گیرد.

اگر معیارهای مندرج در بند ب ۶۱ احراز نشود، ماهیت تعهد واحد تجاری فراهم کردن حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری در همان وضعیت موجود (از نظر شکل یا قابلیت) در نقطه‌ای از زمان است که مجوز به مشتری منتقل می‌شود. به عبارتی مشتری می‌تواند استفاده از مجوز را در زمان اعطای مجوز، هدایت کند و تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن را به دست آورد. واحد تجاری باید تعهد به فراهم کردن حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری را به عنوان تعهد عملکردی ایفا شده در نقطه‌ای از زمان، به حساب منظور کند. واحد تجاری برای تعیین نقطه‌ای از زمان که مجوز به مشتری منتقل می‌شود، باید بند ۳۹ را بکار گیرد. با وجود این، بابت مجوزی که حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری را قبل از شروع دوره‌ای فراهم می‌کند که طی آن مشتری می‌تواند از مجوز استفاده نماید و منافع آن را به دست آورد، درآمد عملیاتی قابل شناسایی نیست. برای مثال، اگر قبل از زمان فراهم کردن (یا به گونه‌ای دیگر در دسترس قرار دادن) یک رمز برای مشتری که مشتری بتواند بلافاصله از نرم‌افزار استفاده کند، دوره زمانی مجوز نرم‌افزار شروع شود، واحد تجاری نباید درآمد عملیاتی را قبل از فراهم کردن (یا به گونه‌ای دیگر در دسترس قرار دادن) رمز مذکور شناسایی کند.

هنگام تعیین اینکه مجوز، حق دسترسی به دارایی فکری واحد تجاری یا حق استفاده از دارایی فکری واحد تجاری را فراهم می‌کند یا خیر، واحد تجاری باید عوامل زیر را نادیده بگیرد:

- الف. محدودیت‌های زمان، محدودیت‌های منطقه جغرافیایی یا محدودیت‌های استفاده - این محدودیتها به جای تعیین اینکه واحد تجاری تعهد عملکردی را در نقطه‌ای از زمان ایفا می‌کند یا در طول زمان، ویژگیهای مجوز تعهد شده را تعیین می‌کنند.
- ب. ضمانت‌های ارائه شده توسط واحد تجاری مبنی بر اینکه واحد تجاری نسبت به دارایی فکری حق اختراع دارد و از آن حق اختراع در مقابل استفاده بدون مجوز دفاع می‌کند - تعهد به دفاع از حق اختراع، تعهد عملکردی نیست، زیرا عمل دفاع از حق اختراع، ارزش داراییهای فکری واحد تجاری را حفظ می‌کند و مشتری اطمینان حاصل می‌کند که مجوز انتقال یافته با ویژگیهای مجوز تعهد شده در قرارداد مطابقت دارد.

حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده

با وجود الزامات مندرج در بندهای ۵۷ تا ۶۰، واحد تجاری باید درآمد عملیاتی حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده را که در ازای مجوز دارایی فکری تعهد شده است، تنها در زمان (یا در طول زمان) وقوع رویدادهای زیر، هر کدام که دیرتر باشد، شناسایی کند:

- الف. فروش یا استفاده بعدی واقع شود؛ و
- ب. تعهد عملکردی که تمام یا قسمتی از حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده به آن تخصیص یافته است، ایفا شده باشد (یا قسمتی از آن ایفا شده باشد).

الزام بند ب ۶۷ برای حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده، هنگامی بکار گرفته می‌شود که حق امتیاز مزبور تنها به مجوز دارایی فکری مربوط باشد یا مجوز دارایی فکری، جزء اصلی باشد که حق امتیاز به آن مربوط است (برای مثال، هنگامی که واحد تجاری

بطور معقول انتظار دارد که مشتری ارزش بسیار بیشتری برای مجوز در مقایسه با کالاها یا خدمات دیگری که مجوز به آن مربوط است قائل باشد، مجوز دارایی فکری ممکن است جزء اصلی باشد که حق امتیاز به آن مربوط است).

هرگاه الزام بند ب۶۸ احراز شود، درآمد عملیاتی حاصل از حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده، باید بطور کامل طبق بند ب۶۷ شناسایی شود. هرگاه الزام بند ب۶۸ احراز نشود، الزامات مابه‌ازای متغیر در بندهای ۵۱ تا ۶۰، برای حق امتیاز مبتنی بر فروش یا مبتنی بر استفاده بکار گرفته می‌شود.

توافقات باز خرید

ب۷۰. توافق باز خرید، قراردادی است که در آن، واحد تجاری یک دارایی را می‌فروشد و همچنین متعهد می‌شود یا اختیار دارد (در همان قرارداد یا در قراردادی دیگر) دارایی را باز خرید کند. دارایی باز خرید شده ممکن است همان دارایی باشد که به مشتری فروخته شده است، یک دارایی باشد که اساساً همانند آن دارایی است، یا دارایی دیگری باشد که دارایی فروخته شده اولیه، بخشی از آن است.

ب۷۱. بطور کلی، توافقات باز خرید، سه شکل زیر را دارند:

الف. تعهد واحد تجاری به باز خرید دارایی (پیمان آتی)؛

ب. حق واحد تجاری برای باز خرید دارایی (اختیار خرید)؛ و

پ. تعهد واحد تجاری به باز خرید دارایی به درخواست مشتری (اختیار فروش).

پیمان آتی یا اختیار خرید

ب۷۲. اگر واحد تجاری تعهد به باز خرید دارایی (پیمان آتی) یا حق باز خرید دارایی (اختیار خرید) را داشته باشد، مشتری کنترل دارایی را به دست نمی‌آورد، زیرا حتی اگر مشتری تصرف فیزیکی دارایی را در اختیار داشته باشد، اما توانایی مشتری برای هدایت استفاده از دارایی، و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از دارایی محدود شده است. بر این اساس، واحد تجاری باید قرارداد را به یکی از روشهای زیر به حساب منظور کند:

الف. به عنوان اجاره طبق استاندارد حسابداری ۲۱ حسابداری اجاره‌ها، چنانچه واحد تجاری بتواند یا ملزم باشد دارایی را به مبلغی کمتر از قیمت فروش اولیه آن دارایی باز خرید کند.

ب. به عنوان یک توافق تأمین مالی طبق بند ب۷۴ چنانچه واحد تجاری بتواند یا ملزم باشد دارایی را به مبلغی برابر یا بیشتر از قیمت فروش اولیه آن دارایی باز خرید کند.

ب۷۳. واحد تجاری هنگام مقایسه قیمت باز خرید با قیمت فروش باید ارزش زمانی پول را مدنظر قرار دهد.

ب۷۴. اگر توافق باز خرید، یک توافق تأمین مالی باشد، واحد تجاری باید به شناسایی دارایی ادامه دهد و همچنین، بابت مابه‌ازای دریافتی از مشتری بدهی مالی شناسایی کند. واحد تجاری باید تفاوت بین مبلغ مابه‌ازای دریافتی از مشتری و مبلغ مابه‌ازایی که باید به مشتری پرداخت شود را به عنوان هزینه مالی و، در صورت اقتضا، به عنوان مخارج پردازش یا نگهداری دارایی (برای مثال، بیمه) شناسایی کند.

ب۷۵. چنانچه اختیار خرید بدون اعمال، منقضی شود، واحد تجاری باید بدهی را قطع شناخت و درآمد عملیاتی شناسایی کند.

اختیار فروش

ب۷۶. چنانچه واحد تجاری به درخواست مشتری متعهد به باز خرید دارایی (اختیار فروش) به قیمتی کمتر از قیمت فروش اولیه آن باشد، واحد تجاری باید در آغاز قرارداد بررسی کند آیا مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای اعمال آن حق دارد یا خیر. اعمال این حق توسط مشتری در عمل موجب می‌شود مشتری بابت حق استفاده از دارایی معین برای یک دوره زمانی، به واحد تجاری مابه‌ازا پرداخت کند. بنابراین، اگر مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای اعمال حق مذکور داشته باشد، واحد تجاری باید آن توافق را طبق استاندارد حسابداری ۲۱، به عنوان اجاره به حساب منظور کند.

ب۷۷. برای تعیین اینکه مشتری، انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای اعمال حق خود دارد یا خیر، واحد تجاری باید عوامل مختلف، شامل رابطه قیمت باز خرید با ارزش بازار مورد انتظار دارایی در تاریخ باز خرید و زمان باقیمانده تا انقضای حق مذکور را مدنظر قرار دهد. برای مثال، اگر انتظار رود قیمت باز خرید بطور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از ارزش بازار دارایی باشد، این موضوع ممکن است نشان‌دهنده انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه مشتری برای اعمال اختیار فروش باشد.

- ب۷۸. اگر مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای اعمال حق خود به قیمتی کمتر از قیمت فروش اولیه دارایی نداشته باشد، واحد تجاری باید توافق را به گونه‌ای به حساب منظور کند که گویی این توافق، فروش محصول با حق برگشت طبق توصیف بندهای ب۲۰ تا ب۲۷ است.
- ب۷۹. اگر قیمت بازخرید دارایی، برابر یا بیشتر از قیمت فروش اولیه و بیشتر از ارزش بازار مورد انتظار دارایی باشد، قرارداد در عمل یک توافق تأمین مالی است و بنابراین، باید طبق بند ب۷۴ به حساب منظور شود.
- ب۸۰. اگر قیمت بازخرید دارایی، برابر یا بیشتر از قیمت فروش اولیه و برابر یا کمتر از ارزش بازار مورد انتظار دارایی باشد، و مشتری انگیزه اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای اعمال حق خود نداشته باشد، واحد تجاری باید توافق را به گونه‌ای به حساب منظور کند که گویی فروش محصول با حق برگشت طبق توصیف بندهای ب۲۰ تا ب۲۷ است.
- ب۸۱. واحد تجاری هنگام مقایسه قیمت بازخرید با قیمت فروش، باید ارزش زمانی پول را در نظر بگیرد.
- ب۸۲. اگر اختیار فروش بدون اعمال منقضي شود، واحد تجاری باید بدهی را قطع شناخت کند و درآمد عملیاتی شناسایی نماید.

توافقات حق‌العملکاری

- ب۸۳. هرگاه واحد تجاری محصولی را به شخص دیگری (مانند معامله‌گر یا توزیع‌کننده) انتقال دهد تا آن را به مشتریان نهایی بفروشد، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا آن شخص دیگر، کنترل محصول را در آن نقطه از زمان به دست آورده است یا خیر. اگر شخص دیگر کنترل محصول را به دست نیاورده باشد، محصول منتقل شده به او ممکن است در قالب یک توافق حق‌العملکاری نگهداری شود. بر این اساس، اگر محصول انتقال یافته بر اساس توافق حق‌العملکاری نگهداری شود، واحد تجاری نباید ت انتقال محصول به شخص دیگر، درآمد عملیاتی شناسایی کند.
- ب۸۴. معیارهایی که نشان می‌دهد توافق از نوع حق‌العملکاری است، شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نیست:
- الف. محصول، تا زمان وقوع رویدادی معین، مانند فروش محصول به یکی از مشتریان شخص معامله‌گر یا منقضي شدن یک دوره زمانی معین، در کنترل واحد تجاری باشد؛
- ب. واحد تجاری بتواند برگشت محصول یا انتقال محصول به شخص ثالث (نظیر یک معامله‌گر دیگر) را الزامی کند؛ و
- پ. معامله‌گر برای پرداخت بابت محصول، تعهد غیرمشروط نداشته باشد (اگرچه ممکن است ملزم به پرداخت سپرده شده باشد).

توافقات فروش و نگهداری

- ب۸۵. توافق فروش و نگهداری، قراردادی است که به موجب آن، واحد تجاری محصول را برای مشتری صورتحساب می‌کند، اما تصرف فیزیکی محصول را تا زمان انتقال به مشتری در نقطه‌ای از زمان در آینده، حفظ می‌کند. برای مثال، مشتری ممکن است به دلیل کمبود فضای در دسترس برای محصول یا به دلیل تأخیر در برنامه زمانبندی تولید، از واحد تجاری درخواست کند که چنین قراردادی را منعقد نماید.
- ب۸۶. واحد تجاری باید زمان ایفاء تعهد عملکردی خود برای انتقال محصول را از طریق ارزیابی زمان کسب کنترل آن محصول توسط مشتری، تعیین کند (به بند ۳۹ مراجعه شود). در برخی قراردادها، با توجه به شرایط قرارداد (شامل شرایط تحویل و بارگیری)، کنترل زمانی منتقل می‌شود که محصول به محل مشتری تحویل داده شود یا محصول بارگیری گردد. با وجود این، در برخی قراردادها، حتی اگر تصرف فیزیکی محصول نزد واحد تجاری باقی بماند، مشتری ممکن است کنترل محصول را به دست آورده باشد. در چنین حالتی، مشتری توانایی هدایت استفاده از آن محصول و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن محصول را دارد، حتی اگر تصمیم گرفته باشد حق خود را برای تصرف فیزیکی آن محصول را اعمال نکند. بنابراین، واحد تجاری محصول را کنترل نمی‌کند، بلکه خدمات حفاظت و نگهداری دارایی مشتری را به مشتری ارائه می‌دهد.
- ب۸۷. افزون بر بکارگیری الزامات بند ۳۹، برای اینکه مشتری کنترل محصول را در توافق فروش و نگهداری به دست آورد، تمام معیارهای زیر باید احراز شود:
- الف. دلیل توافق فروش و نگهداری، نباید صوری باشد (برای مثال، مشتری این توافق را درخواست کرده باشد)؛

- ب. محصول باید به عنوان محصول متعلق به مشتری بطور جداگانه قابل تشخیص باشد؛
پ. در حال حاضر، محصول باید برای انتقال فیزیکی به مشتری آماده باشد؛ و
ت. واحد تجاری توانایی استفاده از محصول یا ارسال آن به مشتری دیگر را نداشته باشد.

۸۸. اگر واحد تجاری بابت فروش محصول بر مبنای توافق فروش و نگهداری، درآمد عملیاتی شناسایی کند، واحد تجاری باید بررسی کند آیا طبق بندهای ۲۳ تا ۳۱، تعهد عملکردی باقیمانده‌ای (برای مثال، خدمات حفاظت و نگهداری) را دارد که طبق بندهای ۷۴ تا ۸۷ ملزم به تخصیص بخشی از قیمت معامله به آن باشد یا خیر.

پذیرش توسط مشتری

۸۹. طبق بند ۳۹(ث)، پذیرش دارایی توسط مشتری ممکن است بیانگر این باشد که مشتری کنترل دارایی را به دست آورده است. شرطهای قراردادی پذیرش توسط مشتری، به مشتری اجازه می‌دهد در صورتی که کالا یا خدمت مطابق با ویژگیهای توافق شده نباشد، قرارداد را فسخ کند یا واحد تجاری را ملزم به انجام اقدامات جبرانی نماید. هنگام ارزیابی زمان کسب کنترل کالا یا خدمت توسط مشتری، واحد تجاری باید این شرطها را در نظر بگیرد.

۹۰. ب. چنانچه واحد تجاری بتواند بطور عینی تعیین کند که کنترل کالا یا خدمت، طبق ویژگیهای توافق شده در قرارداد به مشتری منتقل شده است، پذیرش توسط مشتری، تشریفات است که بر تعیین زمان به دست آوردن کنترل کالا یا خدمت توسط مشتری، تأثیر نمی‌گذارد. برای مثال، اگر شرطهای قراردادی پذیرش توسط مشتری مبتنی بر رعایت ویژگیهای اندازه و وزن معینی باشد، واحد تجاری قبل از دریافت تأییدیه پذیرش توسط مشتری، می‌تواند تعیین کند که آیا معیارهای مذکور احراز شده است یا خیر. تجربه واحد تجاری در ارتباط با قراردادهایی برای کالاها یا خدمات مشابه، ممکن است شواهدی فراهم کند مبنی بر اینکه کالا یا خدمت تأمین شده برای مشتری طبق ویژگیهای توافق شده در قرارداد است. اگر درآمد عملیاتی قبل از پذیرش توسط مشتری، شناسایی شود، واحد تجاری باید همچنان بررسی کند که آیا تعهد عملکردی باقیمانده‌ای (برای مثال، نصب تجهیزات) وجود دارد یا خیر و در صورت وجود، ارزیابی کند که آیا آنها را باید بطور جداگانه به حساب منظور نماید یا خیر.

۹۱. با وجود این، اگر واحد تجاری نتواند بطور عینی تعیین کند که کالا یا خدمت تأمین شده برای مشتری، طبق ویژگیهای توافق شده در قرارداد است، تا زمانی که واحد تجاری پذیرش توسط مشتری را دریافت نکرده باشد، نمی‌تواند نتیجه بگیرد که مشتری کنترل دارایی را به دست آورده است. دلیل این امر آن است که در چنین شرایطی واحد تجاری نمی‌تواند تعیین کند که مشتری توانایی هدایت استفاده از کالا یا خدمت و کسب تقریباً تمام منافع باقیمانده حاصل از آن را دارد.

۹۲. ب. چنانچه واحد تجاری محصولات را برای آزمایش یا به قصد ارزیابی به مشتری تحویل دهد و تا زمان سپری شدن دوره آزمایش، مشتری متعهد به پرداخت هیچ مابه‌ازایی نشده باشد، کنترل محصول تا زمانی که مشتری محصول را بپذیرد یا دوره آزمایش سپری شود، به مشتری منتقل نمی‌گردد.

افشای درآمد عملیاتی به تفکیک طبقات

۹۳. ب. بند ۱۱۵ واحد تجاری را ملزم می‌کند که درآمد عملیاتی حاصل از قرارداد با مشتریان را به طبقاتی تفکیک کند که نشان دهد ماهیت، مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان درآمد عملیاتی و جریانهای نقدی چگونه از عوامل اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. در نتیجه، میزان تفکیک درآمد عملیاتی برای اهداف افشا در این استاندارد، به واقعیتهای و شرایطی بستگی دارد که به قراردادهای واحد تجاری با مشتریان مربوط است. برخی واحدهای تجاری ممکن است به منظور دستیابی به هدف بند ۱۱۵ برای تفکیک درآمد عملیاتی، نیاز به استفاده از چند نوع طبقه داشته باشند. برخی دیگر از واحدهای تجاری ممکن است تنها با استفاده از یک نوع طبقه، به هدف تفکیک درآمد عملیاتی دست یابند.

۹۴. ب. هنگام انتخاب نوع طبقه (یا طبقات) مورد استفاده برای تفکیک درآمد عملیاتی، واحد تجاری باید نحوه ارائه اطلاعات درباره درآمد عملیاتی برای مقاصد دیگر، شامل تمام موارد زیر را بررسی کند:

الف. موارد افشای ارائه شده خارج از صورتهای مالی (برای مثال، گزارشهای تفسیری مدیریت یا سایر گزارشهای ارائه شده به سرمایه گذار)؛

- ب. اطلاعاتی که بطور منظم به منظور ارزیابی عملکرد مالی قسمتهای عملیاتی بررسی می‌شود؛ و
- پ. سایر اطلاعاتی که با انواع اطلاعات مشخص شده در بند ب ۹۴ (الف) و (ب) مشابه است و توسط واحد تجاری یا استفاده کنندگان صورتهای مالی واحد تجاری، برای ارزیابی عملکرد مالی یا تصمیمات تخصیص منابع، استفاده می‌شود.
- ب ۹۵. نمونه‌هایی از طبقاتی که ممکن است مناسب باشد، شامل موارد زیر است، اما محدود به آنها نیست:
- الف. نوع کالا یا خدمت (برای مثال، خطوط اصلی تولید)؛
- ب. منطقه جغرافیایی (برای مثال، کشور یا منطقه)؛
- پ. بازار یا نوع مشتری (برای مثال، مشتریان دولتی و غیردولتی)؛
- ت. نوع قرارداد (برای مثال، قراردادهای مقطوع)؛
- ث. مدت زمان قرارداد (برای نمونه، قراردادهای کوتاه‌مدت و بلندمدت)؛
- ج. زمانبندی انتقال کالاها یا خدمات (برای مثال، درآمد عملیاتی حاصل از کالاها یا خدمات انتقال یافته به مشتریان در یک نقطه از زمان و درآمد عملیاتی حاصل از کالاها یا خدمات انتقال یافته در طول زمان)؛ و
- چ. کانالهای فروش (برای مثال، کالاهایی که بطور مستقیم به مصرف کنندگان فروخته می‌شود و کالاهایی که از طریق واسطه‌ها به فروش می‌رسد).

پیوست پ

گذار

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد حسابداری است و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.

گذار

- پ ۱. برای مقاصد الزامات گذار در بندهای پ ۳ تا پ ۸:
- الف. تاریخ بکارگیری اولیه، شروع دوره گزارشگری است که واحد تجاری این استاندارد را برای نخستین بار بکار می‌گیرد؛ و
- ب. قرارداد تکمیل شده، قراردادی است که واحد تجاری تمام کالاها یا خدمات معین مرتبط با آن قرارداد را طبق استاندارد حسابداری ۳ درآمد عملیاتی، استاندارد حسابداری ۹ حسابداری پیمانهای بلندمدت و استاندارد حسابداری ۲۹ فعالیت‌های ساخت املاک، انتقال داده است.
- پ ۲. واحد تجاری باید این استاندارد را با استفاده از یکی از شیوه‌های زیر بکار گیرد:
- الف. با تسری به هر دوره گزارشگری گذشته که طبق استاندارد حسابداری ۳۴ رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات ارائه شده است و با در نظر گرفتن اقتضای عملی بند پ ۵؛ یا
- ب. با تسری به گذشته، همراه با شناسایی اثر انباشته بکارگیری اولیه این استاندارد در تاریخ بکارگیری اولیه طبق بندهای پ ۶ تا پ ۸.
- پ ۳. با وجود الزامات بند ۲۷ استاندارد حسابداری ۳۴، هرگاه این استاندارد برای نخستین بار بکار گرفته شود، واحد تجاری ملزم است برای دوره سالانه‌ای که بلافاصله قبل از نخستین دوره سالانه بکارگیری این استاندارد (دوره قبلی) قرار دارد، و تنها در صورتی که واحد تجاری این استاندارد را با تسری به گذشته طبق بند پ ۲ الف) بکار می‌گیرد، صرفاً اطلاعات کمی الزامی طبق بند ۲۷ ج) استاندارد حسابداری ۳۴ را ارائه نماید. ممکن است واحد تجاری این اطلاعات را برای دوره جاری یا برای دوره‌های مقایسه‌ای قبلی نیز ارائه کند، اما ملزم به انجام این کار نیست.
- پ ۴. هنگام بکارگیری این استاندارد با تسری به گذشته طبق بند پ ۲ الف)، واحد تجاری ممکن است یک یا چند اقتضای عملی زیر را بکار گیرد:
- الف. برای قراردادهای تکمیل شده، واحد تجاری نیازی به تجدید ارائه قراردادهای زیر ندارد:
۱. قراردادهایی که در یک دوره گزارشگری شروع می‌شوند و خاتمه می‌یابند؛ یا
 ۲. قراردادهایی که در شروع نخستین دوره ارائه شده، قراردادهای تکمیل شده محسوب می‌شوند.
- ب. واحد تجاری می‌تواند برای قراردادهای تکمیل شده‌ای که مابه‌ازای متغیر دارند، از قیمت معامله در تاریخ تکمیل قرارداد به جای برآورد مبالغ مابه‌ازای متغیر در دوره‌های گزارشگری مقایسه‌ای، استفاده کند؛ و
- پ. واحد تجاری ملزم نیست برای قراردادهایی که قبل از شروع نخستین دوره ارائه شده تعدیل شده‌اند، قرارداد را به دلیل تعدیل قرارداد طبق بندهای ۲۱ تا ۲۲، با تسری به گذشته تجدید ارائه کند. به جای آن، واحد تجاری باید اثر تجمیعی تمام تعدیلات واقع شده قبل از شروع نخستین دوره ارائه شده را در زمانهای زیر نشان دهد:
۱. تشخیص تعهدات عملکردی ایفا شده و ایفاننده؛
 ۲. تعیین قیمت معامله؛ و
 ۳. تخصیص قیمت معامله به تعهدات عملکردی ایفا شده و ایفاننده.
- ت. واحد تجاری ملزم نیست برای تمام دوره‌های گزارشگری ارائه شده قبل از تاریخ بکارگیری اولیه، مبلغ قیمت معامله تخصیص یافته به تعهدات عملکردی باقیمانده را افشا کند و درباره زمان مورد انتظار واحد تجاری برای شناسایی آن مبلغ به عنوان درآمد عملیاتی، توضیح دهد (به بند ۱۲۱ مراجعه شود).
- پ ۵. برای هر اقتضای عملی مندرج در بند پ ۴ که واحد تجاری مورد استفاده قرار می‌دهد، واحد تجاری باید آن راهکار را بطور یکنوخت برای تمام قراردادهای موجود در تمام دوره‌های گزارشگری ارائه شده، بکار گیرد. افزون بر این، واحد تجاری باید تمام اطلاعات زیر را افشا کند:
- الف. اقتضا‌های عملی که مورد استفاده قرار گرفته است؛ و
- ب. ارزیابی کیفی اثر برآوردی بکارگیری هر یک از عملکردها، تا میزانی که بطور معقول امکانپذیر است.

- پ ۶. اگر واحد تجاری تصمیم بگیرد این استاندارد را با تسری به گذشته طبق بند پ ۲ (ب) بکار گیرد، باید اثر انباشته بکارگیری اولیه این استاندارد را به عنوان تعدیل مانده سود انباشته (یا جزء دیگری از حقوق مالکانه، در صورت اقتضا) در ابتدای دوره گزارشگری سالانه‌ای که تاریخ بکارگیری اولیه را در برمی گیرد، شناسایی کند. طبق این شیوه گذار، واحد تجاری ممکن است تصمیم بگیرد این استاندارد را تنها برای قراردادهایی با تسری به گذشته بکار گیرد که در تاریخ بکارگیری اولیه، قراردادهای تکمیل شده محسوب نمی شوند (برای مثال، اول فروردین سال ۱۴۰۲ برای یک واحد تجاری که پایان سال مالی آن ۲۹ اسفند است).
- یک واحد تجاری که این استاندارد را طبق بند پ ۲ (ب) با تسری به گذشته بکار می گیرد، همچنین ممکن است اقتضای عملی توصیف شده در بند پ ۴ (پ) را نیز برای موارد زیر بکار گیرد:
- الف. برای تمام تعدیلات قرارداد که قبل از شروع نخستین دوره ارائه شده واقع شده‌اند؛ یا
- ب. برای تمام تعدیلات قرارداد که قبل از تاریخ بکارگیری اولیه واقع شده‌اند.
- اگر واحد تجاری از این اقتضای عملی استفاده کند، باید آن را بطور یکنواخت برای تمام قراردادهای بکار گیرد و اطلاعات الزامی طبق بند پ ۵ را افشا نماید.
- پ ۸. برای دوره‌های گزارشگری که تاریخ بکارگیری اولیه را در بر دارد، واحد تجاری باید در صورتی که این استاندارد با تسری به گذشته طبق بند پ ۲ (ب) بکار گرفته می شود، مبلغی که هر قلم اصلی صورتهای مالی در دوره گزارشگری جاری را به دلیل بکارگیری این استاندارد در مقایسه با استانداردهای حسابداری ۳، ۹ و ۲۹ تحت تأثیر قرار می دهد، افشا کند.